

# کتاب عاموس

## پیشگفتار

### نبی و روزگارش

معرفی می‌کند (ر.ک. ۱۴:۷ و امضای کتاب در ۱:۱) او اهل یهودا و مقیم تقوع، دهکده‌ای در نزدیکی بیت لحم بود، سرزمینی که تپه‌هایش برای گله‌داری مساعد بود. تصاویری متعدد از زندگی چوپانی که توضیح دهنده پیامش می‌باشد، این امر را مورد تأیید قرار می‌دهد.

دوره خدمت او در ربع دوم سده هشتم پیش از میلاد واقع است که وجه مشخصه آن، فرمانروایی شکوهمند یربعام دوم در اسرائیل (۷۸۷-۷۴۷ ق.م) و عزیا در یهودا (۷۸۱-۷۴۰ ق.م) می‌باشد. این امر در امضای کتاب (۱:۱) ذکر شده است. عاموس حدود ده سال پیش از هوشع نبی زندگی می‌کرد.

در عرصه سیاست، مملکت شمالی، یعنی مملکت ده قبیله، آخرین دوره آرامش را طی می‌کند که عمدتاً ناشی از افول قدرت سوریه، کشور همسایه، می‌باشد که خودش در نواحی شرقی قربانی توسعه طلبی آشوریان می‌شده است. یربعام توانسته سرزمین‌هایی را که در گذشته مسکن قبایل اسرائیل در آن سوی رود اردن بود (۲- پاد ۱۴:۲۵) مجدداً تصرف کند؛ این پیروزی‌ها رؤیای عظمت را در این مملکت بیدار کرد (ر.ک. عا ۱۳:۶-۱۴). به نظر می‌رسد که آرامش به طور نهایی برقرار شده (۱:۶-۳)، حال آنکه در واقع تهدیدی مهلک بر اسرائیل سایه افکنده است:

عاموس قدیمی‌ترین نبی‌ای است که کارها و سخنانش موضوع جنگی خاص در کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد. پیش از او، انبیا دیگری که خصوصاً در کتاب‌های سموئیل و پادشاهان از آنان سخن به میان آمده، در اسرائیل خدمت می‌کرده‌اند. عاموس فصل جدیدی را در میان انبیا می‌گشاید که به طور متداول آنان را «انبیای نگارنده» می‌نامند، زیرا بازتاب مستقیم خدمت ایشان را کتاب‌هایی که حامل نام ایشان است، در کتاب مقدس حفظ شده است. این جنگ‌ها معمولاً نه اثر خود این انبیا، بلکه اثر شاگردانشان می‌باشد؛ این آثار همان رابطه‌ای را با انبیا دارند که انجیل‌ها نسبت به خدمت و موعظه عیسی دارند. با این حال، برخی بخش‌ها، خاصه آنهایی که نبی با ضمیر اول شخص مفرد سخن می‌گوید، می‌تواند اثر قلم خود ایشان باشد، نظیر روایت پنج رؤیای عاموس در فصل‌های ۷ و ۸ و ۹ کتابش.

نام عاموس در زبان عبری یادآور فعل «حمل کردن» می‌باشد. این ممکن است شکل کوچک شده نام «عاموسیا» باشد، یعنی «بهبوه حمل کرده است»، نامی که در آن، مانند بسیاری از موارد، قدرشناسی شخص بابت مداخلتی ملاطفت‌آمیز خداوند ابراز می‌شود. عاموس خود را پرورش دهنده احشام

از اعیاد بزرگ سالبانه به نبوت می پردازد؛ وحی موجود در ۴:۴-۵ ظاهراً مراسم آن را توصیف می کند. اما وحی های او سامره را نیز مخاطب قرار می دهد و حتی بعضی از آنها ممکن است در خود پایتخت بیان شده باشند (برای مثال، ۳:۹-۱۲ یا ۶:۱-۷) در هر حال، خدمت عاموس بر خلاف خدمت انبیای بزرگی که پس از او ظهور کردند، فقط مدت کوتاهی به طول انجامید، یعنی حداکثر چند ماه. خدمت او احتمالاً به دست کاهن بیت ئیل متوقف شد که نزد پادشاه از او بدگویی کرد و او را به بهانه ایجاد اخلال در نظم عمومی از مملکت اخراج کرد (۷:۱۰-۱۷). شاید به دلیل مبارزه با این ممنوعیت بوده که عاموس - یا گروهی از شاگردانش - دست به نگارش رؤیاهای وحی های خود و انتشار آن در میان قوم زد. در نتیجه، بعد از او، سخنانش زنده باقی مانده و در محفل استماع کنندگان حساس به کلام خداوند انتقال یافته، کلامی که از دهان نبی او بیان شده. بعضی از وحی ها شاید بعدها به این جنگ افزوده شده تا پیام نبی را با شرایط جدید انطباق دهد؛ از این جمله، می توان به وحی بر علیه یهودا (۲:۴-۵) و شاید وعده پایانی (۹:۱۱-۱۵) اشاره کرد که تاریخش هنوز مورد بحث است.

### سبک مورد استفاده و پیام

گاه می کوشند عاموس را که اصل و نسبی روستایی دارد، فردی بی سواد یا بی معلومات، و حتی دهاتی، جلوه دهند، حال آنکه چنین امری در مورد او صدق نمی کند. او بر رویدادهایی که بر حیات قومش و قوم های مجاور اثر می گذارد، می اندیشد؛ او پیشاپیش قدرتی را که از شمال فرا می رسد، یعنی

لشکریان آشور بیش از پیش به فلسطین نزدیک می شوند. در عرصه اقتصاد، مبادلات بازرگانی با خارج باعث رونق کشور شده، اما این امر موجب تشدید اختلاف طبقاتی میان فقیران و ثروتمندان شده است. خصوصاً در سامره زندگی تجملاتی حکمفرما است و پدیده ای که می توان آن را تجمل پرستی نوکیسگان نامید شکوفا می شود (۶:۴-۷؛ ۳:۱۲) تعاون و همبستگی سابق که آحاد قوم عهد را به هم پیوند می داد، جای خود را به بهره کشی از مستمندان از سوی اقویا داده و قضاوت های ناعادلانه محکمه ها بر آن سربوش می گذارد (۶۲-۷؛ ۴:۱؛ ۵:۷). در عرصه مذهب، عبادت تبدیل شده به تشریفات و آیین هایی پرشکوه که باعث مباحث تمامی قوم است، اما عاموس به طور خاص آنها را مورد حمله قرار می دهد.

رسالت عاموس بعد «بین الکلیسای» خاصی دارد: این فرد که از مملکت یهودا بیرون آمده، امر می یابد که برای مملکت اسرائیل موعظه کند (ر. ک. ۷:۱۵ و ۱:۱) اگر انشعابات مسیحیت امروز را مدنظر بگیریم، می توان عاموس را به واعظی تشبیه کنیم که خدا را از یک فرقه به فرقه دیگر می فرستند. رفتنش به مملکت شمالی نشانه وحدت است: اسرائیل با اینکه در عرصه سیاست یا حتی مذهبی تجزیه شده، اما در نظر خداوندی که این قوم را برگزیده و بابت این امر از ایشان حساب پس می خواهد قومی واحد باقی می ماند. عاموس احتمالاً در بیت ئیل نبوت می کند، یعنی در عبادتگاه اصلی مملکت شمالی که به هنگام تجزیه حکومت واحد اسرائیل، به منظور رقابت با معبد اورشلیم بنا شده بود. او به مناسبت یکی

آن می‌دارد تا سخن بگوید (۸:۳)، اما در عین حال، نوعی حکمت می‌کوشید او را وادار به سکوت نماید (۵:۱۳).

موضوع پیام عاموس عظمت خدا و قدرت و عدالت او است که همه ملت‌ها را شامل می‌شود، اما خود به گونه‌ای بازگشت ناپذیر برای قوم اسرائیل ارجحیت قائل است. پیام او التزامات و اقتضاهای شریعت را یادآوری می‌کند، خصوصاً شریعت که تنظیم‌کننده امور عبادی و تعیین‌کننده حقوق فقیران و مستمندان است. عاموس با صلابت و شدت، همان مطلبی را به اغنیا و قدرتمندان و داوران و کاهنان اعلام می‌دارد که بعدها انجیل بیان می‌کند: «آنچه به یکی از این برادران کوچکترین من کردید، به من کرده‌اید» (مت ۲۵:۴۰). عاموس همچنین خاطر نشان می‌کند که عبادت مورد پسند خدا آن است که واکنش اسرائیل به محبت خدایش را در فروتنی و عدالت متجلی سازد. در این نکته نیز عهد جدید گفتار عاموس را بیان می‌کند: «زیرا کیست که تو را برتری داد و چه چیز داری که نیافتی؟ پس چون یافتی، چرا فخر می‌کنی، که گویا نیافتی» (۱- قرن ۴:۷).

خدای عاموس خدایی است حسود با عشقی انعطاف ناپذیر، که می‌تواند مقرر دارد که سنگینی دنیای شریر انسان را از او دور خواهد ساخت. و گاه نیز او چنین می‌کند؛ اما خدا نیز می‌تواند - و او این کار را برای اسرائیل و تمام آنانی که به لحاظ روحانی جزو اسرائیل اند انجام می‌دهد - اجازه ندهد که مغلوب سنگینی گناه و اقتضاهای دیوانه وار حیطة احکام او زندگی می‌کنند. اما او همچنین می‌تواند اعلام دارد که گناه و تکبر

قدرت آشور را احساس می‌کند، همان قدرتی را که در سال ۷۲۱ یا ۷۲۲ ق.م. سامره را ویران می‌سازد. او به تهدیداتی که از زمین و آسمان ناشی می‌شود حساس است و در آنها عمل خدا را مشاهده می‌کند. اگر عاموس را واعظی بینداریم که اشکال زبان و سبک ادبی را نادیده می‌انگارد، راه به اشتباه پیموده‌ایم: او می‌داند چگونه هم از ظرافت‌های حکمت بهره بگیرد (ر.ک. ۳:۳-۸؛ ۵:۱۹؛ ۶:۱۲) و هم از عظمت آیین نیایش (ر.ک. ۱:۳ تا ۲:۱۶؛ ۴:۶-۱۳؛ ۵:۴-۶، ۱۴-۱۵)، و اینکه چگونه جوشش سبک شعری را مورد استفاده قرار دهد (ر.ک. ۴:۱-۲؛ ۹:۱-۴) و با کلمات بازی کند و هجو به کار ببرد (ر.ک. ۳:۱۲؛ ۵:۵؛ ۶:۱۳؛ ۸:۱) سبک نگارش او از نظر ایجاز تکان دهنده است: برای اعلام پیامش، به چند کلمه اکتفا می‌کند، سریع مانند برق، و ویرانگر توهمات مانند زمین لرزه (که رسالت او به خاطر آن وابسته باقی مانده، ر.ک. ۱:۱) این عطیه‌های ادبی جلوه گر شده اند چرا که بر پایه قدرت و عظمت موضوعی خاص استوار هستند؛ و این موضوع همانا ناتوبه کاری اسرائیل در قبال دعوت‌ها و وفاداری خدا.

خدا از طریق پنج رؤیا بر عاموس ظاهر شده بود؛ این رؤیاها موضوع اصلی سه فصل آخر کتاب را تشکیل می‌دهد. برای عاموس که به سنت‌ها وابسته بود و به رویدادها دقت می‌داشت، این رؤیاها انگیزه‌ای الهی بود برای موعظه: عاموس دو بار از خدا برای بخشایش قوم وساطت کرد، اما بعد خدا به او گفت که دیگر بخشایشی در میان نخواهد بود (۷:۸) و خاندان یعقوب از میان خواهد رفت، اما «نه همگی» (۹:۸). این مکاشفه او را بر

### تقسیم بندی کتاب

پس از عنوان (۱:۱) و مقدمه ای کوتاه (۲:۱)، بخش اول آغاز می شود که متشکل از یک رشته وحی ها بر علیه هفت ملت مجاور اسرائیل و نیز خود اسرائیل می باشد (۳:۱ تا ۱۶:۲) تمام این وحی ها در قالبی واحد بیان شده اند، اما آخرین آنها بیشتر بسط می یابد.

بخش دوم متشکل از وحی هایی بر علیه اسرائیل است (فصل های ۳ تا ۶) در میان این گفتارها که معمولاً کوتاه است و بدون نظم خاصی دسته بندی شده، باید به طور خاص به این مطالب توجه نماییم: گفتاری در مورد ناتوبه کاری اسرائیل (۴:۴-۱۳)، بیاناتی که مربوط به آیین های عبادی بیت ثیل می گردد (۴:۴-۵؛ ۵:۵-۴؛ ۵-۲۱-۲۷)، افشاگری بی عدالتی اجتماعی (۳:۳-۹؛ ۴:۱-۳) و تکبر و احساس کاذب امنیت (۳:۱-۲، ۱۲؛ ۵:۱۸-۲۰؛ ۶:۱-۷، ۱۳-۱۴)، توصیف داوری قریب الوقوع (۳:۳-۱۳، ۱۵-۱۰؛ ۳، ۱۳، ۱۶؛ ۶:۸-۱۱) و دعوت به بازگشت به سوی خداوند (۵:۴-۶، ۱۴-۱۵).

در بخش سوم (فصل های ۷ تا ۹) روایت پنج رؤیا آمده که چهار رؤیای اول دو به دو به یکدیگر مرتبط اند، یعنی رؤیاهای ملخ ها (۷:۳-۱) و آتش (۷:۴-۶)؛ و رؤیاهای شاقول (۷:۷-۸) و میوه های رسیده (۸:۱-۲)؛ و در قسمت نتیجه گیری، رؤیای تزلزل قدس آمده است (۹:۱-۴) چند وحی در پیرامون این رؤیاهای گردآوری شده اند (۷:۹؛ ۸:۳-۱۴؛ ۹:۷-۱۰)، و نیز ماجرای اخراج عاموس (۷:۱۰-۱۷). کتاب با وحی ای درباره احیاء و نجات به پایان می رسد (۹:۱۱-۱۵)، ولیکن برخی تردید دارند که بتوان آنها را به خود عاموس نسبت داد.

تمام مجازات ها را بر شخص گناهکار فرود خواهد آورد؛ او می تواند بخشایش و فیض را به فراوانی عطا کند، درست در همان جا که گناه و گستاخی به شدت حاکم است. همچنین عاموس به ما می آموزد که دعای انسان می توان چنان تأثیر عظیمی داشته باشد که خدا را منقلب سازد و او را بر آن دارد که بعضی از تصمیماتش را تغییر دهد. این شفاعت و وساطت نبی برای قوم خدا در دعای عیسی برای خاصانش به اوج می رسد (یو ۱۷).

خدای عاموس شخصیتی دو چهره نیست، یکی خدایی که تنبیه می کند، و دیگری خدایی که نجات می بخشد. همان خدا و خداوند است که تنبیه می کند، اما مایل است که نجات نیز ببخشد. خود تنبیه نیز از مرز عدالتی خشک و سرد و عاری از بخشایش فراتر می رود، زیرا تجلی محبتی است زخم خورده یا محبتی که مورد خیانت واقعی شده، محبتی که با آخرین فغان خود، فراسوی مجازات، دیگر بار دعوت به بازگشت را فریاد می زند. هوش که چند سال پس از عاموس در اسرائیل نبوت کرده، همین درام عشق الهی را با واژگانی جدید روی صحنه آورده است. لذا پیام کتاب عاموس شامل نکات زیر می گردد:

مکاشفه ای حاوی تهدیدها: بعضی ها از گرسنگی و تشنگی خواهند مرد (۸:۱۱) زیرا خیلی دیر به جستجوی کلام خدا برآمدند و به آن دست نیافتند؛

مکاشفه ای که در به روی امید می گشاید (۵:۱۵؛ ۹:۸) و سایر انبیا آن را از سر گرفته اند: وقتی همه چیز از کف رفته، خدا می تواند باز فیض و التفات عطا فرماید.

# کتاب عاموس

## عنوان

و از اورشلیم صدا می دهد،<sup>f</sup>  
چراگاه های چوپانان در سوگ است  
و قلۀ کرمل خشک شده<sup>g</sup>.

<sup>۱</sup>سخننان عاموس که یکی از  
چوپانان<sup>a</sup> تقوع<sup>b</sup> بود. آنچه که در  
مورد اسرائیل<sup>d</sup> دید<sup>c</sup> در روزگار عزیبا، پادشاه  
یهودا، و در روزگار یربعام پسر یوآش، پادشاه  
اسرائیل، دو سال پیش از زمین لرزه<sup>e</sup>.

۲-۲۳:۱۴  
:۲۹  
۷-۱۰:۱۵

وحی هایی درباره ملت های  
مجاور و علیه مملکت اسرائیل

## پیشگفتار

<sup>۲</sup>او گفت:  
یهوه از صهیون می گرد

:۸:۳  
:۳۰:۲۵  
بول:۱۶:۴

## بر علیه دمشق

<sup>۳</sup>چنین سخن می گوید یهوه<sup>h</sup>:

برای سه جنایت دمشق و برای چهار  
اش ۱:۱۷-۳:۱۷  
ار ۲۳:۴-۲۷:۲۷  
۲-۲:۱۰-۳۲:۳۳  
۳:۱۳:۳۳

a عاموس در واقع گله دار بود، نه چوپانی ساده یعنی کسی که گله را می چرانند؛ ر.ک. ۲-۲:۳:۴. شاید او یکی از مسئولان  
گله های پادشاه در اورشلیم بود. ر.ک. آیه ۲: چوپانان و توضع ۱۴:۷.

b شهرکی است در یهودا، واقع در ۹ کیلومتری جنوب شرقی بیت لحم، ر.ک. ۲-۲:۱۴:۲ و ۲-۲:۱۱:۶. لذا نبی از مردمان  
مملکت جنوبی است.

d در روزگار عاموس، این نام اشاره دارد به مملکتی که شامل ده قبیله شمالی می شد؛ ر.ک. ۲:۶ که در آنجا نام «اسرائیل همراه نام  
«یهودا» (۴:۲) به کار رفته است. عاموس این مملکت را «خاندان اسحاق» (۱۶:۷)، «خاندان یعقوب» (۱۳:۳: ۸:۹)،  
«خاندان یوسف» (۶:۵) یا فقط «اسحاق» (۹:۷)، «یعقوب» (۸:۶: ۲:۷، ۵) و «یوسف» (۶:۶: ۱۵:۵) نیز می خواند. اما نام  
«اسرائیل» خاطره وحدت قوم برگزیده را نیز تداعی می کند، قومی که اکنون تجزیه شده، اما باید مجدداً احیا شود، ر.ک. ۱۴:۹.

c منظور از «دیدن» دیدن رؤیا است، ر.ک. ۱:۷. در طول این دیدن ها یا رؤیاها، نبی مکاشفاتی در زمینه مفهوم رویدادها  
دریافت می دارد. موضوع رؤیا تبدیل می شود به پیامی برای قوم.

e تاریخ این زلزله فاقد قطعیت است اما باید در حدود سال ۷۵۰ ق.م. رخ داده باشد؛ خاطره این زمین لرزه مدت های طولانی  
همچون نشانه ای برجدی بودن تهدیدات نبی حفظ خواهد شد؛ ر.ک. ۱:۹- و نیز شاید ۱۱:۴-۸:۶: ۱۱-۸:۸: ۸- و زک ۵:۱۴.

f علی رغم تجزیه مملکت، صهیون- اورشلیم، همان شهر داود، کانون و نشانه وحدت قوم و مسکن الهی باقی می ماند. تصویر شیر  
گران باز نمود قدرت مقاومت ناپذیر خداوند و وحشتی است که این قدرت پدید می آورد، خصوصاً زمانی که خداوند  
حاکمیت مطلق خود را نمایان می سازد؛ ر.ک. هو ۱۰:۱۱: ۲۹:۵. در عهد جدید، شیر گران تصویر ابلیس تهدید کننده  
است که به واسطه ایمان مغلوب می شود (۱- پتر ۵:۸).

g حاصل خیزی و سبزی تپه ها و خصوصاً کوه کرمل سبب مباحث ساکنان این منطقه بود. نبی آنها را می بیند که در همان لحظه، در  
اثر تهدید الهی خشک شده اند.

h ملت های همجوار با یهودا و اسرائیل، به ترتیب و بدون استثناء متهم شده، از میان خواهند رفت (۱:۶:۲ تا ۳:۱)، یعنی دمشق  
در شمال شرقی، فلسطینیان در جنوب غربی، صور در شمال غربی، ادوم در جنوب، عمون در شرق، و موآب در جنوب شرقی. و  
بالاخره، یهودا و اسرائیل نیز علی رغم امتیازاتشان و دقیقاً به همین علت، متهم شده، مورد تهدید قرار می گیرند، و داوری و  
مجازات خواهند شد، درست مانند دیگران.

(جنایت) i

تغییر عقیده نخواهم داد<sup>h</sup>.از آنجا که جلعاد را با غلتک های k آهنین  
لگدمال کرده اند،۴ در خاندان حزائیل آتش را خواهم  
فرستادو کاخ های بن هدد را از میان خواهد  
برد!۵ پشت بندهای دمشق را خرد خواهم  
ساخت، ۹-۱۶:۲از بقعت - آون شخص ساکن را از بین  
خواهم برد

و از بیت عدن آن کس را که عصای

سلطنت را به دست می گیرد؛

و مردمان آرام به قیر تبعید خواهند  
شد<sup>m</sup>،

بیهو می گوید.

بر علیه غزه و فلسطینیان

ع<sup>۶</sup> چنین سخن می گوید بیهو:

ار ۴:۲-۴:۲

برای سه جنایت غزه و برای چهار جز ۱۷-۱۵:۲۵-۱۷

(جنایت)،

تغییر عقیده نخواهم داد.

از آنجا که جمعیت های کامل را تبعید  
کرده اندتا آنان را به ادوم تسلیم کنند<sup>n</sup>،

i این فرمول الگووار که در ابتدای تمامی این وحی ها تکرار می شود، بیانگر این است که پیمانۀ شرارت تکمیل شده: ۳ و حتی ۴! (ر.ک. امث ۱۵:۳۰، ۱۸، ۲۱، ۲۹). لذا زمان داوری فرا رسیده است - این «جنایات» را می توان به دو طریق تعبیر کرد: آنها یا ستم هایی است که در حق اسرائیل روا داشته شده، یعنی در حق برخی از افراد این قوم یا اتباع ایشان و به این ترتیب، حرمت خداوندش هتک شده (ر.ک. خروج ۲۲:۴-۲۳): یا اینکه اعمالی که افشاء شده، هتک حرمت انسانی است که هر که باشد، خداوند حامی و انتقام گیرنده او است (ر.ک. پید ۱۰:۴).

j این جمله ای است کوبنده که قاضی به واسطه آن مشخص می سازد که تصمیمی که در پی آن می آید، تغییر ناپذیر است. در خصوص «تغییر عقیده دادن خدا» یا «پشیمان شدن او» (ر.ک. توضیحات ۳:۷).

k منظور غلتک هایی است مجهز به نوک ها یا تیغ های فلزی که برای خرد کردن کاهی به کار می رفت که پس از خرمن کوبی در مزرعه باقی می ماند (ر.ک. ۲- سمو ۱۲:۳۱؛ اش ۱۵:۴۱). این تصویر بازگو کننده شقاوت دمشق در قبال مردمان مغلوب و خرد شده می باشد - جلعاد در شرق رود اردن، میان دمشق و عمون واقع بود: این بخشی از سرزمین بود که به قبیله منسی تعلق داشت.

l آتشی که شهرهای ملت های محکوم را نابود می سازد، حریق شهری است که به دست لشکر متخاصم محاصره و ویران شده است. لشکر متخاصم در اینجا ابزاری در دست خدا تلقی شده است - «حزائیل» و «بن هدد» نام های چندین حاکم دمشق، دشمنان شکست ناپذیر اسرائیل می باشد (ر.ک. ۱- پاد ۲۰:۱ و توض: ۲- پاد ۸:۱۲؛ ۱۰:۳۲).

m «بقعت - آون» یعنی وادی ظلم؛ «بیت عدن» یعنی خانه لذت. اینها نام های محل هایی است که در حال حاضر شناخته شده نیست، یا شاید هم اسامی نمادین دمشق است که در وادی خرم بر ادع یا ابانه واقع است (ر.ک. ۲- پاد ۵:۱۲). «قیر»: آرامیان دمشق به زور به مکان اصلی خود باز گردانده می شوند (ر.ک. توضیحات ۷:۹). منظور از «تبعید» جابجایی جمعیت است که در سیاست فاتحان آشوری، نظامی جا افتاده بود. با محکوم کردن تبعیدیون به کار کردن روی زمین های بیگانه، هدف فاتحان این بود که هر نوع تلاش برای حفظ هویت ملی را در مردمان تبعیدی خفه کنند و انسجام امپراطوری خود را تقویت کنند.

n دشمن با حمله های ناگهانی به زمین های مردمان بیگانه، حدود خود را گسترش می دادند و کل جمعیت مهاجر یا اسیر را به بردگی می فروختند. ر.ک. ۲- پاد ۵:۲؛ ۲- توا ۲۱:۱۶-۱۷. در مورد «ادوم» ر.ک. توضیحات آیه ۱۱.

و کاخ هایش را از میان خواهد برد.

### بر علیه ادوم

۱۱ چنین سخن می گوید بیهوه:

برای سه جنایت ادوم و برای چهار  
(جنایت)،

تغییر عقیده نخواهم داد.

از آنجا که با شمشیر برادر خود را دنبال  
کرده

و هر گونه ترحمی را خفه کرده است،  
از آنجا که خشم خود را برای همیشه نگاه

می دارد

و غیظ خود را بی انتها حفظ می کند،<sup>F</sup>

۱۲ آتش را در تیمان خواهم فرستاد،

و کاخ های بصره<sup>S</sup> را از میان خواهد برد.

### بر علیه عمون

۱۳ چنین سخن می گوید بیهوه:

برای سه جنایت بنی عمون و برای چهار  
(جنایت)،

تغییر عقیده نخواهم داد.

از آنجا که زنان باردار جلعاد را شکم  
دریده اند،

تا قلمرو خود را گسترش دهند،<sup>A</sup>

۷ آتش را در دیوارهای غزه خواهم فرستاد،

و کاخ هایش را از میان خواهد برد؛

۸ شخص ساکن را از اشدود از بین خواهم

برد

و از اشقلون آن کس را که عصای

سلطنت را به دست می گیرد؛

دست خود را بر علیه عقرون باز پس

خواهم آورد،<sup>O</sup>

و بازمانده<sup>P</sup> فلسطینیان هلاک خواهد

شد،

خداوند بیهوه می گوید.

### بر علیه صور و فنیقی ها

۹ چنین سخن می گوید بیهوه:

برای سه جنایت صور و برای چهار

(جنایت)،

تغییر عقیده نخواهم داد.

از آنجا که جمعیت های کامل را به

اسیری به ادوم تحویل داده اند،

بدون آنکه عهد برادران<sup>Q</sup> را به یاد

آورند،

۱۰ آتش را در دیوارهای صور خواهم

فرستاد،

اش ۲۳:  
جز ۲۸-۲۶

اش ۳۴:  
ار ۲۲-۷:۴۹:  
جز ۲۵:۱۲-۱۴:  
۳۵:  
ملا ۵-۲:۱۵

ار ۱:۴۹-۶:  
جز ۳۱:۳۳-۳۷:  
۷:۱-۴۵:  
صف ۲:۸-۱۱:  
۲-۸:۱۲

O فلسطینیان در فدراسیونی متشکل از پنج شهر متحد شده بودند که نام چهار شهر آن در اینجا ذکر شده. نام شهر پنجم، یعنی جت در ۲:۶ ذکر شده؛ نیز ر.ک. توضیحات ۷:۹.

P اصطلاح «بازمانده» در اینجا در معنای اولیه اش به کار رفته و به رهایی یافتگان لشکری اشاره دارد که نیروی فاتح مباحثات می کرد که آن را از بین برده است. نیز ر.ک. ۳:۵ و ۱۵: توضیحات اش ۱:۹.

Q فنیقیان با تبعید اسرائیلیان به سرزمین دشمنان، پیمان هایی را که ایشان را با اسرائیل متحد می ساخت، زیر پا می گذاشتند، به همین علت است که جنایت ایشان بسیار سنگین است. ر.ک. ۱-پاد ۲۶:۵؛ ۱۳:۹.

T ادوم یا عیسو برادر دو قلو ی یعقوب یا اسرائیل می باشد (ر.ک. پید ۲۷). خصومت شدید خانوادگی، این دو قوم را همیشه در مقابل هم قرار می داد. «ادوم» در حسادت خود، عمداً این خصومت را با تهاجمات مکرر شعله ور نگاه می داشت (ر.ک. اع ۲۰:۱۴-۲۱؛ یو ۴:۱۹؛ عو ۱۱).

S تیمان و بصره اقامتگاه بزرگان ادوم بود و در جنوب شرقی دریای مرده قرار داشت؛ ر.ک. پید ۱۵:۳۶؛ ار ۷:۴۹؛ ۱۳؛ عو ۹. T بنی عمون اعقاب لوط بودند (پید ۳۰:۱۹-۳۷) که در شرق رود اردن، در جنوب بیوق مسکن داشتند؛ پادشاهان ایشان مقیم ربه بودند (آیه ۱۴، ۲-سمو ۲۶:۱۲) که امروز همان شهر عمان، پایتخت کشور اردن است. جنایت آنان این بود که سرچشمه زندگی را مورد دست اندازی قرار می دادند، یعنی درست آینده قوم را در مورد جلعاد، ر.ک. توضیحات آیه ۳.

<sup>۴</sup> آتشی در دیوارهای ربه خواهم افروخت،  
و کاخ‌هایش را از میان خواهد برد،  
در هیاهو، در یک روز نبرد،  
در طوفان، در یک روز گردباد؛  
<sup>۵</sup> و پادشاهشان به تبعید خواهد رفت،  
او و بزرگان‌ش همراه او<sup>u</sup>،  
یهوه می‌گوید.

### بر علیه موآب

<sup>۱</sup> چنین سخن می‌گوید یهوه:  
برای سه جنایت موآب و برای چهار  
(جنایت)،  
تغییر عقیده نخواهم داد.  
از آنجا که استخوان‌های پادشاه ادوم را  
سوزانده تا آنجا که آنها را آهکی کند<sup>v</sup>،  
<sup>۲</sup> آتش را در موآب خواهم فرستاد،  
و کاخ‌های قریوت<sup>w</sup> را از میان خواهد  
برد،  
و موآب در قیل و قال خواهد مرد،  
در هیاهو، به صدای کرنا<sup>x</sup>؛  
<sup>۳</sup> داور<sup>y</sup> را از نزد او از میان خواهم برد،  
و همه بزرگان‌ش را همراه او خواهم  
کشت،

اش ۱۵-۱۶:  
از ۴۸:  
حز ۸:۲۵-۱۱:  
صف ۲:۸-۱۱:

یهوه می‌گوید.  
**بر علیه یهودا**

<sup>۴</sup> چنین سخن می‌گوید یهوه:  
برای سه جنایت یهودا و برای چهار  
(جنایت)،

لا ۲۶:۱۴-۱۶:  
اش ۵:۲۴:  
هو ۸:۱۴:

تغییر عقیده نخواهم داد.  
از آنجا که شریعت یهوه را خوار شمرده‌اند  
و فرایض او را رعایت نکرده‌اند،  
از آنجا که «دروغ‌هاشان» گمراهشان  
ساخته،

همانها که پدران‌شان پیروی کرده ۸:۶  
بودند<sup>z</sup>،

<sup>۵</sup> آتش را در میان یهودا خواهم فرستاد،  
و کاخ‌های اورشلیم را از میان خواهد برد.

### بر علیه اسرائیل

<sup>۶</sup> چنین سخن می‌گوید یهوه:  
برای سه جنایت اسرائیل و برای چهار  
(جنایت)،  
تغییر عقیده نخواهم داد.  
از آنجا که عادل را به بهای نقره  
می‌فروشد  
و نیازمند را برای جفتی نعلین<sup>a</sup>؛

<sup>u</sup> تمامیت قوم در شخص مقامات خود مورد مجازات قرار می‌گیرند، یعنی در شخص پادشاه و شورای بزرگان قبایل.  
<sup>v</sup> در مورد ادوم، ر.ک. توضیحات ۱:۶، ۱۱. طبق نظر مردم آن روزگار، از میان بردن استخوان‌های مرده، او را از آرامش پس از مرگ محروم می‌ساخت.

<sup>w</sup> قریوت بزرگترین شهر موآب، واقع در شرق دریای مرده بود (ار ۲۴:۴۸).

<sup>x</sup> برخاستن صدای کرنا علامتی بود برای محاصره کنندگان شهر برای حمله نهایی (یوشع ۶:۲۰).

<sup>y</sup> «داور» در اینجا به شخص پادشاه اشاره دارد (ر.ک. ۱:۱۵).

<sup>z</sup> یهودا نیز تحت همان محکومیت سایر ملت‌ها قرار می‌گیرد، اما به خاطر خطاهایی از نوع دیگر که همانا رد شریعت الهی باشد، یعنی شکستن عهد خدا در اثر خوار شمردن احکام الهی - «پدران‌شان». از عصر سلیمان به بعد، عبادت خدایان بیگانه مجاز گردید یا با آن مدارا می‌شد. «دروغها» هم به بت‌ها اشاره دارد (ر.ک. مز ۴:۱۱۵-۸) و همه به عبادات وابسته به آن.

<sup>a</sup> اسرائیل پیش از هر چیز به خاطر رشوه‌گیری متهم می‌شود؛ عدالت در محکمه‌ها در مقابل پول منحرف می‌گردد؛ داوران با انگیزه‌هایی مسخره یا با دریافت هدیه‌ای ناچیز حکم صادر می‌کنند (ر.ک. ۷:۵-۱۲؛ ۳:۲۲؛ میک ۳:۹، ۱۱؛ تث ۱۷:۱۹-۲۰). نعلین ممکن است اشاره به آیینی داشته باشد که معامله را رسمیت می‌بخشید، مانند روت ۴:۲؛ در این صورت، اتهام این است که حق بی‌گناه ضایع می‌شود، اما در همان حال، ظاهر حق حفظ می‌شود.



از آنجا که سر ضعفا را بر روی خاک  
زمین له می کنند  
و راه فروتنان را منحرف می سازند؛  
از آنجا که پسر و پدر نزد همان دختر  
می روند<sup>b</sup>،  
تا «نام» مقدس مرا بی حرمت سازند<sup>c</sup>؛  
از آنجا که در کنار همهٔ قربانگاه ها  
بر روی جامه هایی که گرو گرفته اند دراز  
می کشند،  
و شراب جریمه شدگان را می نوشند،  
در خانهٔ خدایشان...<sup>d</sup>  
و من<sup>e</sup> آموری را در برابر ایشان نابود  
ساخته بودم،  
هم او را که قامتش همچون قامت سرو بود  
و همچون درخت بلوط نیرومند بود!

میهه اش را در بالا نابود ساخته بودم  
و ریشه هایش را در پایین<sup>f</sup>!  
و شما را از زمین مصر بر آورده بودم،  
شما را به مدت چهل سال در بیابان  
هدایت کرده بودم،  
تا سرزمین اموری را صاحب شوید!  
در میان پسرانتان انبیایی برانگیخته نشد<sup>۱۱</sup> ۱۸:۱۸-۱۹  
بودم  
و در میان جوانانتان نذیره ها<sup>g</sup> را؛  
آیا این چنین نیست، ای بنی اسرائیل؟  
- وحی بیهوه.  
و شما به نذیره ها شراب نوشانید،<sup>۱۲</sup>  
به انبیا این دستور را دادید:  
«نبوت مکنید!<sup>h</sup>»  
اینک من شما را در جا خواهم سایید<sup>۱۳</sup>

۱۷-۱۰:۷  
اش ۱۰:۳۰  
میک ۶:۲  
اع ۱۷:۴-۱۸

دان ۱۱:۴-۱۲

b این آیه را به هنگام ترجمه، اندکی اصلاح کرده ایم و از ترجمهٔ یونانی الهام گرفته ایم. اصطلاح «له کردن سر بر روی خاک» حالت مبالغه دارد. در خصوص طمع بزرگان و ثروتمندان که بارها در موردش تذکر داده شده، ر.ک. خصوصاً ۵:۸-۶:۱؛ ۱۷:۱، ۲۳؛ میک ۲-۱:۲، ۸-۹؛ ۹:۳-۱۱؛ صف ۱:۹؛ ار ۲:۳۴؛ حزق ۲۹:۲۲. «رفتن پدر و پسر نزد همان دختر» اشاره ای است به روسپیگری مذهبی که از مذاهب کنعانی وارد آداب اسرائیلیان شده بود. وجود خادمان زن و مرد در معابد به طور خاص در ۱. پاد ۱۴:۲۴؛ ۱۵:۱۲؛ ۲۲:۴۷؛ ۲. پاد ۷:۲۳؛ هو ۴:۱۴ ذکر شده است. تنبیه این رفتار شنیع را رسماً محکوم می کند (۱۸:۲۳-۱۹). وقتی پدر و پسر «نزد همان دختر» می روند (کلمهٔ «همان» برداشت ما از متن است و در اصل وجود ندارد)، در واقع نوعی عمل زنا با محارم انجام می دهند.

c نبی در اینجا ماهیت این خطاها را افشاء می سازد: در اسرائیل، اعمال خلاف عدالت اجتماعی، گناه در حق خود خدا به شمار می رود (ر.ک. حزق ۲۰:۳۶-۲۱).

d وقتی بدهکار قادر به پرداخت بدهی خود نبود، تمام اموالش مصادره می شد، حتی ردایش را نیز گرو می گرفتند؛ اما شریعت استرداد آن را واجب شمرده است (خروج ۲۲:۲۵-۲۶) اما در اینجا، می بینیم که چنین ستم هایی را با رسوم بت پرستی در هم می آمیزند.

e از آیه ۹ تا آخر فصل، متن حالت استیضاحی پرصلابت را به خود می گیرد. تقابل «من - ایشان» و «من - شما» در قالب هایی بیان شده که مخصوص عهد است (خروج ۲۰:۲؛ یوشع ۲۴:۱۳-۱۴). خدا با مداخلت های خود در تاریخ، قومی را برای خود برگزیده و تقدیر آن را رقم زده است؛ لذا خطاهای اسرائیل به مثابه رد این عهد یا خیانت به آن است. شدت مجازات نیز دقیقاً به همین علت است. لحن این آیات بر تمام کتاب عاموس سایه می افکند.

f «آموری» مردمانی در کنعان بودند. خدا خودش پیش قراولی بود که راه پیروزمند لشکر اسرائیل را گشود (ر.ک. تث ۷:۱؛ یوشع ۳:۶؛ سمو ۵:۲۴). سپس خدا خود را به هیزم شکنی تشبیه می کند که درختی را می گوید بدون آنکه میوه ای برای آن باقی بگذارد تا تولید مثل کند، یا ریشه ای باقی بگذارد تا جوانه بزند (ر.ک. هو ۹:۱۶).

g «نذیره» مردی بود که به خدا وقف شده بود و خصوصاً عهد می کرد که شراب ننوشد (ر.ک. توضیحات اعد ۶:۷).  
h مخالفت با برگزیدگان خدا، به منزلهٔ مخالفت با خود او است (ر.ک. توضیحات آیه ۹ و ۱۰:۷-۱۷؛ ار ۲۱:۱۱؛ اع ۷:۵۱-۵۳).

i معنی این فعل چندان مشخص نیست. گاری گاه که سنگ های سر راه را خرد می کند - یا شاید هم می لغزد یا در زمین فرو می رود - سنگینی داوری ای را که بر اسرائیل نازل خواهد شد به ذهن می آورد.

## وحی‌هایی بر علیه اسرائیل

به آن سان که گاری آکنده از بافه  
می‌ساید؛

## یادآوری برگزیدگی و اعلام مجازات

۱۴ مرد چالاک قادر به گریز نخواهد بود،  
مرد نیرومند قدرت خود را به کار  
نخواهد برد،

۳ به این کلام که یهوه بر علیه شما،  
ای بنی اسرائیل، اعلام می‌دارد

و شخص شجاع زندگی خود را نجات  
نخواهد داد؛

گوش دهید، بر علیه تمام خانواده‌ای که از  
سرزمین مصر برآوردیم: ۲ من از تمام

۱۵ آن کس که کمان را به کار می‌برد  
تاب نخواهد آورد،

خانواده‌های زمین، فقط شما را شناختم؛  
اینک به این جهت است که شما را به سبب

۱۹:۹:۵ مردی که پای‌های چابک دارد رهایی  
نخواهد یافت،

تمامی خطاهایتان مجازات خواهم کرد<sup>m</sup>.

## عمل الهی و نبوت

آن کس که بر اسب سوار می‌شود زندگی  
خود را نجات نخواهد داد،

۳۳ آیا دو نفر با هم می‌روند

۱۶ و شجاع‌ترین شخص در میان دلیران  
عریان خواهد گریخت<sup>k</sup>، در آن روز<sup>k</sup>

بی‌آنکه با هم مشورت کرده باشند<sup>n</sup>؟

۴۴ آیا شیر در جنگل می‌غرد

بی‌آنکه طعمه‌ای داشته باشد؟

- وحی یهوه.

ژ این تصویری است جدید: در آیات ۱۴-۱۶ میدان نبرد به هنگام شکست به تصویر کشیده شده: هر سربازی، با هر اسلحه‌ای که داشته باشد، در جا از حرکت باز می‌ماند و فلج می‌شود. به همین ترتیب، در روز داوری، اسرائیل در برابر انسان و در برابر خدایش عریان و خلع سلاح می‌شود.

k اصطلاح «در آن روز» در توضیحات ۱۸:۵ تشریح شده است.

l فعل «شناختن» بیانگر رابطه‌ای است ناشی از اقدامی که منجر به ملاقاتی شخصی می‌گردد، ملاقاتی مبتنی بر رفاقت و عشق میان دو انسان: رابطه‌ی زناشویی (پید ۱:۴؛ لو ۱:۳۴)؛ عشق پدر به پسرش (اش ۱۶:۶۳)؛ یا وابستگی میان چوپان و گله‌اش (یو ۴:۱۰، ۱۴). این فعل در اینجا وجه مشخصه‌ی رابطه‌ای است که به واسطه‌ی رهایی از مصر پدید آمده که طی آن خداوند به شکلی قطعی اسرائیل را همچون قوم خود برگزید (ر. ک. ۷:۹؛ خروج ۵:۱۹؛ تث ۷:۷-۸؛ روم ۸:۲۹). این موضوع که تازگی ندارد (پید ۱۸:۱۹؛ خروج ۳:۷؛ ۲۲:۴) مورد استفاده‌ی انبیای بعدی قرار خواهد گرفت: هو ۱:۱۱، ۱:۱۳؛ اش ۵:۱-۷؛ ار ۲:۲-۳؛ حزق ۶:۱۶؛ اش ۸:۴۱-۹. اما معاصران نبی در این رابطه نوعی تضمینی سهل‌الوصول برای نجات می‌دیدند، حال آنکه عاموس در آن، بنیادی را برای مسئولیت اسرائیل در برابر خدا مکشوف می‌سازد، خدایی که ایشان را برگزیده و رهایی داده است: مقایسه شود با متی ۲۳:۷؛ ۱۲:۲۵.

m مداخلتی که به ابتکار الهی صورت می‌گیرد، هم نجات و فیض را در بر دارد و هم مجازات را. خدا که به وعده‌های خود امین است، کسی را که وفادار باقی می‌ماند اجر می‌دهد، و کسی را که به عهد خیانت می‌ورزد مجازات می‌کند. فعلی که «مجازات کردن» ترجمه کرده‌ایم، در اصل به معنی «حساب پس دادن» می‌باشد: در جاهای دیگر، نظیر خروج ۳:۱۶ یا روت ۶:۱، می‌توان آن را «نشان دادن رحمت» یا «برکت دادن» نیز ترجمه کرد.

n این عبارت آغازگر مجموعه‌ای متشکل از هفت ملاحظه است که با وزنی خاص بیان شده (آیات ۳-۶): این ملاحظات از عرصه‌های بسیار متفاوت زندگی روزمره به عاریت گرفته شده، اما خصوصیتی مشترک آنها را به هم پیوند می‌دهد و خواننده برانگیخته می‌شود تا این پیوند را کشف کند. این سبکی است حکمتی برای معماهای عددی (ر. ک. امث ۱۸:۳۰-۳۱). تمام موقعیت‌هایی که ذکر شده، این وجه اشتراک را دارند که یکی از دو نکته، یعنی آنکه آشکار است، آدم دانا را به کشف نکته‌ی دیگر هدایت می‌کند، یعنی آن نکته‌ای که مستقیماً قابل ملاحظه نیست اما می‌تواند نکته‌ی اول را تشریح کند. کاربرد این ملاحظات در آیه ۸ ارائه شده: حضور نبی منتهی به کشف حقیقتی هولناک می‌شود: اینک خداوند خودش وارد عمل می‌گردد.

آیا شیربچه صدا می دهد، از بیشه<sup>۸</sup> شیر غریبه است<sup>۹</sup>: چه کس هراسان ار ۲۰:۹؛ نشود؟<sup>۱۰-۱۶:۹</sup>  
 خوش،  
 بی آنکه چیزی گرفته باشد؟  
 آیا گنجشک به زمین، در تور می افتد  
 بی آنکه دامی وجود داشته باشد؟  
 آیا تور از زمین بلند می شود  
 بی آنکه چیزی بگیرد؟  
 آیا کرنا در شهر طنین افکن می شود  
 بی آنکه مردم هراسان شوند؟  
 آیا در شهر مصیبتی هست  
 بی آنکه یهوه مسبب آن باشد؟  
 ۱۳:۴ زیرا که خداوند یهوه کاری نمی کند<sup>۷</sup>  
 مگر آنکه راز<sup>۸</sup> خود را بر خدمتگزارانش،  
 انبیا کشف کند.  
 - وحی یهوه -

### بر علیه سامره

این را بر کاخ های آشور<sup>۸</sup> بشنواید میک ۲:۶  
 و بر کاخ های سرزمین مصر؛  
 بگویید: بر کوهساران سامره<sup>۹</sup> گرد آید<sup>۱۰</sup>  
 و ببینید بی نظمی های بشمار را در  
 میان آن،  
 و ستم ها را در بطن او!  
 ۱۰ نمی توانند با درستی عمل کنند<sup>۷</sup>  
 - وحی یهوه -

o تحت اللفظی: «هیچ کلامی به عمل نمی آورد» ر. ک. توضیحات آیه ۸.

p مراد از این اصطلاح، گفتگوهای محرمانه دوستان است که قصد دارند دست به عملی مشترک و غیرمترقبه بزنند (امت ۱۵:۲۲؛ بنسی ۸:۱۷). به همین شکل، خدا نیز پیش از اقدام به عمل، محرمانه با خودش مشورت می کند (ار ۲۳:۱۸؛ ایوب ۱۵:۸)، اما انبیا را در این محرمیت خویش شریک می سازد (ار ۲۳:۲۲) به این ترتیب، ایشان از پیش از افکار و طرح های خدا آگاهی دارند. این فیضی است که به طور کامل از سوی «پدر» به «بسر» داده می شود (یو ۱۷:۱۰) و از سوی «پسر» به رسولانش (یو ۱۷:۱۵؛ ۱۸:۱۷)، یعنی آن «راز» که از سوی کلیسا بر ملت های غیریهود آشکار شده است (روم ۱۶:۲۵-۲۶؛ افس ۳:۳-۱۳).

q ر. ک. توضیحات ۱:۲.

r فعل «سخن گفتن»، مانند آیه قبلی، دلالت دارد بر مداخلت مشکوف کننده خدا: رویدادی در تاریخ می تواند «سخن» و کلامی از سوی خدا باشد.

s در متن عبری «اشدود» ذکر شده که شهری است فلسطینی که بر سر راه منتهی به مصر قرار دارد. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. آشور در نقطه مقابل مصر قرار می گیرد.

t سامره نام شهری است واقع در ۱۰ کیلومتری شمال غربی شکیم که در سال ۸۷۰ ق. م. به دست عمیری پادشاه بنا شده تا پایتخت مملکت شمالی باشد (ر. ک. ۱- یاد ۲۴:۱۶). پس از تصرف شهر در سال ۷۲۱ ق. م. فاتحان آشوری این نام را برای تمام منطقه کوهستانی مرکزی این سرزمین به کار بردند، سرزمینی که ایالت سامره نام گرفت. از این رو است که در اینجا عبارت کوه در وجه جمع به کار رفته است. نام سامره در این معنا بر جای مانده است (یو ۴:۴؛ اع ۸:۱). اما در روزگار عاموس، این نام به خود شهر اطلاق می شود که بر روی یک تپه قرار دارد (۱۲:۳؛ ۱:۴؛ ۱:۶؛ ۱۴:۸). قرائت ترجمه یونانی: «کوه سامره».

t نبی قدرت های همسایه را همچون شاهد به محاکمه خدا بر علیه سامره احضار می کند: بت پرستان ظلم اسرائیل را خواهند دید؛ مجازات او را نیز خواهند دید چرا که خودشان ابزار اجرای آن خواهند بود (آیه ۱۱).

v تحت اللفظی و عامیانه: «نمی توانند آنچه را که مستقیم در جلو می رود انجام دهند». یعنی در واقع، مفهوم و جهت خط اخلاقی را گم کرده اند، خطی که راست است.

در گوشه تختی، و بر کرسی ای دمشقی <sup>a</sup> . گوش دهید و شاهد باشید بر علیه خاندان یعقوب <sup>b</sup> - وحی خداوند یهوه، خدای لشکرها - آن روز که اسرائیل را به سبب ۱-۱۳:۵-۱۱	آنان که خشونت و ویرانی <sup>w</sup> را انباشته می کنند در کاخ هاشان. ۱۱ به این سبب است که چنین سخن می گوید یهوه: دشمن سرزمین را محاصره خواهد کرد <sup>x</sup> ، قدرت را از تو بر خواهد کند <sup>y</sup> و کاخ هایت غارت خواهد شد. ۱۲ چنین سخن می گوید یهوه: آن سان که چوپان از دهان شیر دو پا یا تکه ای از گوش را نجات می دهد، به همان سان بنی اسرائیل نجات خواهند یافت <sup>z</sup> ، آنان که در سامره نشسته اند،	اش ۵:۸-۱۰: مت ۲۳:۲۵
جنایاتش مجازات کنم، قربانگاه های بیت ئیل <sup>c</sup> را (نیز) مجازات خواهم کرد: شاخ های قربانگاه کوبیده خواهد شد <sup>d</sup> و بر زمین خواهد افتاد. ۱۵ خانه زمستانی را با خانه تابستانی <sup>e</sup> ۱۱:۵:۱۱:۶		
خواهم زد؛ خانه های عاج <sup>f</sup> ویران خواهند شد		

w این دو اصطلاح به یکدیگر وابسته اند (ار ۷:۶:۷:۲۰:۸:۴۸:۳:حزق ۹:۴۵:۹:حب ۳:۱). این جمله حالتی هجوآمیز دارد: ساکنان شهر فکر می کنند که مشغول انباشتن ثروتی امن هستند، حال آنکه در نظر خدا سرمایه شان جز کارهایی خلاف عدالت نیست. همین امر باعث هلاکتشان خواهد شد.

x تحت اللفظی: «دشمن و محاصره سرزمین». ما بر اساس قرائت یونانی، اصلاح اندکی وارد کرده ایم این دشمن همان آشور است. y تحت اللفظی: «قدرت را از تو فرود خواهند آورد» همان قدرتی که به آن فخر می کند. به جای «قدرت»، می توان «دژت» نیز استنباط کرد، همان دژی که او خود را در آن در امنیت احساس می کند.

z «دو پا یا تکه ای از گوش» اشاره دارد به آنچه که چوپان موفق می شود از دهان شیر رهایی دهد تا با آن بتواند به صاحب رمه ثابت کند که حیوان در اثر کوتاهی او از بین نرفته یا اینکه آن را فروخته است (پید ۱۹:۳۱:۱-سمو ۱۷:۳۴-۳۵). عبارت «به همان سان... نجات خواهند یافت» برای نخستین بار به طور غیر مستقیم اشاره می کند به «بازمانده» نجات یافتگان: اشعیا این نکته را تبدیل به اصطلاحی کلاسیک می کند. همچنین ر.ک. ۳:۵، ۸:۹.

a واژه «دمشقی» اصطلاحی است معماگونه که احتمالاً عمداً انتخاب شده تا به رفاهی تجملاتی اشاره کند. برخی از مفسران آن را تخت مخصوصی تلقی می کنند که در دمشق ساخته شده؛ بعضی دیگر نیز آن را بخش راحت تخت می پندارند. ر.ک. ۴:۶.

b این نام دیگر قوم اسرائیل است که به مملکت شمالی اشاره دارد؛ اما در ضمن، یادآور مجموع دوازده قبیله اسرائیل نیز می باشد که از یعقوب پاتریارخ پدید آمدند. ر.ک. توضیحات ۱:۱.

c یعقوب ستون یا بودی به یاد رؤیای نردبان آسمانی بر پا کرد (پید ۱۹:۲۸). «بیت ئیل» یعنی «خانه خدا». یربعام اول در آنجا معبدی ساخت و آیینی جدید به وجود آورد تا با امتیازات اورشلیم مقابله کند (۱-پاد ۱۲:۲۶-۳۳).

d «شاخ ها» گوشه های برجسته قربانگاه می باشد (خروج ۲۷:۱-۲:حزق ۴۳:۱۵) که مقدس ترین قسمت آن به شمار می رفت (لاو ۴:۳۰:۱۶:۱۸). کسی که مرتکب قتل غیر عمد می شد، می توانست برای گریز از انتقام، به معبد پناه ببرد و با گرفتن شاخ های قربانگاه، تحت محافظت الهی قرار گیرد (۱-پاد ۱:۵۰:۲۸:۲). اما در روز داوری، حتی این پناهگاه نیز از میان خواهد رفت. همین اندیشه در ۱۳:۲-۱۶ مطرح شده است.

e «خانه زمستانی و خانه تابستانی» یا دو قسمت همان خانه هستند (داور ۳:۲۰:ار ۲۲:۳۶)، یا دو خانه متمایز. اشاره به ویرانی همه خانه ها به معنی ویرانی کامل سرزمین است.

f مراد خانه هایی پرشکوه است که دیوارهایشان با تخته هایی عاج کاری شده تزئین شده، مانند کاخی که احاب ساخت (۱-پاد ۲۲:۳۹). همچنین ر.ک. تخت های عاج در ۴:۶.

اینک روزهایی بر شما می آید  
که در آن شما را با قلاب‌ها بلند خواهند  
کرد،

و تا آخرین<sup>l</sup>، با زوبین‌های ماهیگیری؛  
هر یک در مقابل خویش، از شکاف‌ها  
بیرون خواهید رفت،  
و به سوی حرمون<sup>n</sup> افکنده خواهید شد<sup>m</sup>  
- وحی یهوه.

### بر علیه تعصب در اجرای آیین‌ها

به بیت‌ئیل بروید و خیانت کنید<sup>o</sup>،  
در جلجال<sup>p</sup> بیشتر خیانت کنید!  
صبیحگاهان قربانی‌های خود را بیاورید،  
و در روز سوم، ده یک‌هایتان را؛

و خانه‌های بزرگ<sup>g</sup> از میان خواهند رفت  
- وحی یهوه.

### بر علیه زنان سامره

این کلام را بشنوید، ای گاوان<sup>۴</sup>  
ماده<sup>۴</sup> باشان<sup>h</sup>  
که بر کوه سامره می‌باشید،  
که از فقیران بهره‌کشی<sup>۱</sup> می‌نمایید  
و با نیازمندان بدرفتاری می‌کنید،  
و به اربابان<sup>۲</sup> خود می‌گویید:  
«بیاورید و بنوشیم!»  
خداوند یهوه این را به قدوسیت<sup>k</sup> خود  
سوگند خورده است:

اش ۱۶:۳-۲۴

اش ۱۲:۲۲-۱۳:۶

**g** تحت اللفظی: «خانه‌های بسیار» یعنی خانه‌هایی که اتاق‌های بسیار دارد. در حفاری‌ها بقایای بنیادهای متعلق به عماراتی بسیار بزرگ یافت شده که مطابق است با این اشارت.

**h** «باشان» منطقه‌ای بود واقع در شرق رود اردن، به سمت شمال، که به خاطر چراگاه‌های سرسبز شهره بود (تث ۱۴:۳۲؛ حزق ۱۸:۳۹؛ مز ۱۳:۲۲).

**i** ر. ک. تث ۲۸:۲۸-۳۳:۱-سمو ۱۲:۳؛ لاو ۱۹:۱۳؛ حز ۲۲:۲۹.

**j** زنان باشان که به گاو ماده تشبیه شده‌اند، در اینجا نماد روحیه لذت‌جویانه کدبانوهای مرفه سامره می‌باشند که به بهره‌کشی از فقیران اکتفا نمی‌کنند، بلکه شوهران (اربابان) خود را به می‌خوارگی نیز تحریک می‌کنند. اشعیا از اصطلاحاتی محتاطانه‌تر استفاده می‌کند، با این حال نسبت به خانم‌های اورشلیم روش ملایم‌تری در پیش نمی‌گیرد.

**k** انسان به کسی بزرگتر از خود قسم می‌خورد، اما خدا به «قدوسیت» خودش سوگند یاد می‌کند، یا به خودش (۸:۶) یا به «تکبر یعقوب» (۷:۸). این فرمول پرصلابت بیانگر خصوصیت برگشت‌ناپذیر مشیت الهی است. ر. ک. مز ۸۹:۳۶.

**l** تحت اللفظی: «آنچه که بعد از شما می‌آید». منظور خدمتگزاران خانم‌های اعیان پایتخت است، یا شاید هم اعیان ایشان، یا زنانی در میان ایشان که پس‌قراولان این موکب شوم را تشکیل می‌دهند. ر. ک. ۱:۹.

**n** قرائت عبری: «هرمون» که منطقه‌ای است ناشناخته. ترجمه ما با اندکی اصلاح در حروف این نام صورت گرفته و آن را «حرمون» ثبت کرده‌ایم. حرمون کوهی است به ارتفاع ۲۷۵۰ متر در مرزهای شمالی سرزمین. جاده منتهی به آشور از پای این کوه عبور می‌کرد.

**m** این عبارت را با اندکی اصلاح طبق ترجمه یونانی آورده‌ایم.

**o** عبادت مقبول خدا عبادتی است برخاسته از فروتنی، عبادتی که همراه باشد با اطاعت از فرایض الهی و عشق به خدا. وقتی انسان خودش آیین‌های عبادی را تعیین می‌کند و رسوم را تغییر می‌دهد، و تقویم اعیاد را عوض می‌کند یا مکان‌های ملاقات با خدا را خودش انتخاب می‌کند، بی‌آنکه به تصریحات شریعت توجهی کند، خدا چنین عبادتی را نمی‌پذیرد. هم چنین خدا عباداتی را که در معابد پاتریارخ‌ها صورت می‌گیرد - خصوصاً عبادتی را که در بیت‌ئیل انجام می‌شود - نمی‌پذیرد، چرا که به این ترتیب، مردم در آنجا مخالفت خود را با امتیازات اورشلیم و معبدش آشکار می‌سازند. در مورد بیت‌ئیل، این عبادتگاه پاتریارخ‌ها که موجب شقاق و انشعاب گردیده بود، ر. ک. توضیحات ۱۴:۳.

**p** «جلجال» احتمالاً اشاره دارد به عبادتگاه عصر یوشع که بین اریحا و رود اردن واقع بود (یوشع ۱:۴). جلجال دیگری نیز وجود داشت که در شمال بیت‌ئیل واقع بود (۲. پاد ۱:۲؛ ۳۸:۴).

کردم	۵ خمیر مایه را همچون قربانی ستایش بسوزانید <sup>۹</sup> ،	
درست سه ماه پیش از حصاد <sup>۱۱</sup> ؛	هدایای داوطلبانه خود را فریاد زنید و آنها را اعلام نمایید <sup>۲</sup> ؛	مت ۵:۲۳:۲:۶
بر یک شهر باران بارانیدم،	زیرا شما همین را دوست دارید، ای بنی اسرائیل	
و بر شهری دیگر باران نمی بارانیدم؛	- وحی خداوند یهوه.	
مزرعه ای باران دریافت می کرد،		
و مزرعه ای که در آن باران نمی بارید <sup>۷</sup> ،		
خشک می شد؛		
۸ دو، سه شهر کشیده می شدند به سوی ۱۲:۸	۶ بنابراین، من دندان هایتان را در همه شهرها پاک کردم <sup>۵</sup>	لاو ۳۹-۱۴:۲۶ و تث ۴۶-۱۵:۲۸
شهری دیگر	و شما را در تمامی مکان هایتان از نان محروم ساختم؛	
تا آب بنوشند، بی آنکه عطششان رفع شود؛	و شما نزد من بازگشت نکردید <sup>۴</sup> !	مت ۳۸،۳۷:۲۳
و شما نزد من بازگشت نکردید!	- وحی یهوه.	
- وحی یهوه.	۹ شما را با سوختگی و با آب جوش ۱-۳۷:۸	
شما را با سوختگی و با آب جوش ۱-۳۷:۸	۷ بنابراین، من باران را از شما امتناع	ار ۳:۳ ۶-۱:۱۴
زدم <sup>۷</sup> ،		

q «خمیر مایه را همچون قربانی تشکر بسوزانید». سوزاندن هدیه آردی تخمیر شده در شریعت منع شده بود (لاو ۱۱:۲)، اما عاموس که احتمالاً از این امر آگاه نبود، در این عمل فقط عناصری از عبادتی مبتنی بر تظاهر را مشاهده می کند و به نکوهش آن می پردازد.

r در این آیات، آداب عبادتی اصلی که در بیت ثیل به جا آورده می شد بر شمرده شده است: قربانی کردن احشام کوچک و بزرگ که همراه بود با صرف خوراکی گروهی (ر.ک. ۱- سمو ۱)؛ و ده یک ها که مشتمل بود بر محصول زمین و مطابق بود با نذری که در گذشته یعقوب در بیت ثیل کرده بود (ر.ک. پید ۲۸:۲۲)؛ اهدای آرد یا نان فطیر که به نشانه شکرگزاری بر روی قربانگاه سوزانده می شد (ر.ک. لاو ۲:۱۱-۱)؛ و بالاخره، هدایای خودجوش برای شکرگزاری که به کاهنان تعلق می گرفت، اما هدیه کننده آنها را در طول اعتراف ایمان علنی اعلام می داشت (ر.ک. مز ۱۳:۶۶-۱۹). اشاره به این تعداد زیاد از اصطلاحات بیانگر غیرت و تعصب قوم اسرائیل می باشد، خواه غیرت برای آداب عبادی، خواه حتی به تغییر دادن آیین ها. چنین عبادتی که مردم اسرائیل به آن مباحث می کردند، هیچ وجه اشتراکی با عشق واقعی به خدا نداشت؛ بخشی پایانی آیه همین نکته را بیان می کند.

s تحت اللفظی: «تخلیه دندان انجام دادم» این تصویری است از قحط.

t مجموعه ای متشکل از ۵ قطعه (آیات ۶-۱۱)، عمل خدا را (من) در حق قومش و واکنش اسرائیل (شما) را در نقطه مقابل هم قرار می دهد. دریافت مجازات های الهی خودش نوعی فیض و دعوت بود. مردم به این دعوت گوش فرا ندادند، و به همین سبب، این بندگردان تکرار می شود: «شما نزد من بازگشت نکردید». این به معنای آن است که اسرائیل «توبه نکرد» (معنای روحانی) و به اورشلیم بازنگشت (معنای جغرافیایی).

u باران زمستانی که معمولاً از دی ماه تا اسفند ماه می بارد، برای رشد محصول ضروری بود. اگر دیر می بارید - یعنی سه ماه پیش از فصل حصاد - گندم فرصت لازم را برای خوشه دادن پیش از خشکی تابستان نمی داشت.

v تحت اللفظی: «که بر آن باران نبارانده بودی».

w «سوختگی و حرارت آب جوش» دو بلایی است که معمولاً با یکدیگر می آیند (تث ۲۸:۲۲؛ حجی ۱۷:۲؛ ۱- پاد ۳۷:۸؛ ۲- توا ۲۸:۶). این دو اصطلاح را اغلب به شکل «زنگ گندم و یرقان» ترجمه می کنند که با توجه به مضمون متن را که راجع به خشکسالی سخن می گوید، چندان مناسب به نظر نمی رسد.

و باغ‌ها و تاکستان‌ها را ویران کردم<sup>x</sup>؛  
درختان انجیر و زیتون شما را ملخ خورد؛  
و شما نزد من بازگشت نکردید!

- وحی یهوه.

خروج ۷-۳:۹  
۱۰ طاعون را به میان شما فرستادم،  
همچون طاعون مصر<sup>y</sup>،

و جوانانتان را به شمشیر کشتم،  
در آن حال که اسبان‌تان اسیر شده بودند؛  
تعفن<sup>z</sup> اردوگاه‌هایتان را به بینی‌تان  
برآوردم؛

و شما نزد من بازگشت نکردید!

- وحی یهوه.

۱۱ نزد شما واژگون ساختم

همان سان که خدا سدوم و عموره<sup>a</sup> را  
واژگون ساخت،

زک ۲:۳ و شما همچون (فتیله‌ای) نیم سوز بودید  
که از حریق نجات یافته باشید<sup>b</sup>؛

و شما نزد من بازگشت نکردید!  
- وحی یهوه.

۱۲ به همین سبب، با تو چنین خواهم  
کرد، ای اسرائیل<sup>c</sup>!

از آنجا که این را با تو خواهم کرد،

خویشتن را آماده ساز<sup>d</sup> تا با خدایت  
ملاقات کنی، ای اسرائیل!

۱۳ زیرا او است که کوه‌ها را شکل  
می‌بخشد و باد را می‌آفریند،

که فکر خود را بر بشر آشکار می‌کند،

و پگاه و تاریکی را می‌سازد،

و بر بلندی‌های زمین راه می‌رود؛

یهوه، خدای لشکرها، نام او است.

## نوحه‌سرایی برای اسرائیل

۵ این کلام را که بر علیه شما بیان  
می‌کنم، گوش دهید،

۱۷-۱۶:۵  
۱۴-۱۳:۸  
جز ۱:۱۹  
مرا ۱:۱

x ترجمه ما مبتنی بر حدس و گمان است. متن عبری «تکثیر کردند» و «ملخ»: ر. ک. ۱:۷؛ یول ۴:۱ و ۶:۷ و ۲:۲-۱۱-تث ۲۸:۳۸؛  
۱-روم ۸:۳۷-۲-توا ۲۸:۶-۱۳:۷.

y اشاره‌ای است به بیماری واگیرداری که از مصر آمده بود، یا شاید هم عارضه‌ای بود مشابه یکی از بلاهای وارده بر مصر (ر. ک.  
تث ۷:۱۵؛ ۲۸:۶۰).

z بدلیل تعداد زیاد جسد که نمیتوانستند دفن کنند. ر. ک. اش ۳۴:۳.

a ر. ک. پید ۱۹:۲۴-۲۸. این نمونه‌ای است از داوری الهی که شهری کامل را فرو می‌گیرد، خصوصاً شهری گناهکار را. این  
عبارتی است که ضرب‌المثل شده (ر. ک. اش ۱۳:۱۹؛ ار ۱۸:۴۹؛ ۴۰:۵۰).

b ر. ک. ۱۲:۳ و توضیحات.

c توصیف محکومیت در اینجا جای خود را به تهدیدی در مورد مصیبتی وصف نشدنی (چنین) می‌دهد، اما از هم اکنون می‌توان  
احساس کرد که فجیع‌تر از تمام مصائبی خواهد بود که تا کنون واقع شده است.

d این فعل به هنگام بسیج نظامی (حزق ۳۸:۷) یا فراخوان عمومی برای امور آیینی (خروج ۱۹:۱۱؛ ۲-توا ۳۵:۴) به کار  
می‌رود. این دعوتی است برای تصمیم‌گیری درباره‌ی توبه به منظور ملاقاتی شخصی با «داور». مقایسه شود با مت ۲:۳.

e این سرودی است در وصف خدای خالق؛ در ۸:۵ و ۶:۹ سرودهای دیگری را مشاهده می‌کنیم که شاید هم دنباله‌ی همین سرود  
باشند. برخلاف هوشع (۱:۱۳)، عاموس نام بعل، خدای نباتات و رعد و برق را ذکر نمی‌کند، اما احتمالاً با به کارگیری  
سرودی کنعانی، عناوینی را که اینان برای خدایان بیگانه به کار می‌بردند، به خداوند اسرائیل، و فقط به او، نسبت می‌دهد؛  
این خدایان بیگانه یا بعل، خدای کنعانیان بود، یا شاید هم هدد، خدای آرامیان. این آیه به منظور توصیف عمل خلاقه‌ی خدا،  
همان افعالی را که در روایات خلقت در کتاب پیدایش به کار رفته، مورد استفاده قرار می‌دهد، یعنی «شکل بخشیدن» (مثلاً  
ر. ک. پید ۲:۷): «آفریدن» (مثلاً ر. ک. پید ۱:۱-این نخستین باری است که این اصطلاح را خارج از کتاب پیدایش  
مشاهده می‌کنیم)؛ و «ساختن» (مثلاً ر. ک. پید ۱:۲۶).

۱۱:۹:۱۴:۸

نوحه ای را، ای خاندان اسرائیل<sup>f</sup>:

۲ افتاده است و دیگر بر نخواهد خاست،  
باکره اسرائیل<sup>g</sup>!

بر زمین خویش دراز کشیده،

و کسی نیست که او را برخیزاند!<sup>h</sup>

۳ زیرا که چنین سخن می گوید خداوند

پید ۱۸:۲۳-۳۲:  
تث ۲۸:۶۲

یهوه:

شهری که هزار مرد را روانه جنگ

می ساخت

بیش از صد مرد نخواهد داشت!<sup>i</sup>

و آن که صد مرد روانه جنگ می ساخت

بیش از ده مرد نخواهد داشت، برای

خاندان اسرائیل.

۹:۶:۱۵:۵  
۸:۹

## یا زندگی یا مرگ

۴ زیرا چنین سخن می گوید یهوه با

خاندان اسرائیل:

مرا بجوید و خواهید زیست!<sup>j</sup>

۲-توا ۱۵:۲-۵:  
هو ۱۰:۱۲:  
مز ۶۹:۳۳:  
مت ۱۹:۱۶-۱۷

۵ اما بیت ئیل را بجوید،

به جلجال مروید،

به بئرشیع<sup>k</sup> گذر مکنید؛

زیرا جلجال به یقین تبعید خواهد شد

و بیت ئیل هیچ خواهد گردید!

۶ یهوه را بجوید و خواهید زیست،

مبادا که همچون آتش بر خاندان یوسف

نازل شود

۴:۷

و نابود سازد و کسی برای خاموش اش ۱:۳۱

کردن<sup>m</sup> نباشد، در بیت ئیل!

۷ ایشان حق را به افسنتین تبدیل

می کنند

و عدالت را بر زمین می افکنند.

۸ او ثریا و جبار را می سازد،

تاریکی را به بامداد بدل می کند،

روز را چون شب تاریک می گرداند،

آب های دریا را می خواند

و آنها را بر سطح زمین می ریزد؛

۱۲:۶  
اش ۵:۲۰:  
مرا ۳:۱۵:  
مگا ۸:۱۱۴:۱۳:۹-۶:  
ایو ۳۸:۳۱

۶:۹

مز ۱۰۴:۱۳

f نبی ویرانی اسرائیل را از پیش با سردادن مرثیه ای برای آن، به سبک نوحه سرایان اعلام می دارد (ر. ک. آیات ۱۶-۱۷). آیه

۲ قطعه ای است مرثیه ای و موزون که به دو بیت تقسیم شده که بیت اول آن طولانی تر است از بیت دوم. نمونه های آن را در

۲- سمو ۱: ۲۰-۲۷ و در تمام کتاب مرثیه مشاهده می کنیم. این مرثیه بسیار کوتاه است و هدف آن است که همراه با گروه

سرایندگان و همراهی کنندگان سروده شود. در چارچوب شادی و رونق مملکت، این مرثیه نبوتی به منزله هجوی است تند.

g قوم اسرائیل به «باکره ای» تشبیه شده که طبق سنت، می بایست ازدواج کند و فرزند بیاورد. اما اسرائیل در جوانی خواهد مرد،

بدون فرزند؛ و این مصیبتی است مضاعف.

h بدون خود خداوند، قوم برگزیده نمی تواند بر هیچ کمکی حساب کند. فرمول به کار رفته در این آیه مشابه آیه ۶ است.

i ر. ک. توضیحات ۱: ۸.

j این دو فعل به طور تنگاتنگ به هم وابسته اند؛ فعل دوم بیانگر عواقب فعل اول است. «خواهید زیست» یعنی اینکه از من

حیات و سعادت دریافت خواهید کرد (ر. ک. تث ۳۰: ۱۵-۱۶). این فرمول کوتاه به ترتیب در سه جهت بسط می یابد: - آیه

۵: باید خداوند را در جای دیگر جست: آیه ۶: این یگانه راه حل است برای اسرائیل تا زیست کند: آیات ۱۴-۱۵: باید از

اراده خداوند اطاعت کرد، اراده ای که در شریعت عهد مکشوف شده است. آیات ۷-۱۲ که باید به آیات ۱۶-۱۷ متصل

شود، این قطعه را قطع کرده است.

k بیت ئیل و جلجال و بئرشیع مکان های عبادتی هستند که به تاریخ پاتریارخ ها مرتبط می باشند. برای بیت ئیل، ر. ک. توضیحات

۱۴: ۳؛ برای جلجال، ر. ک. توضیحات ۴: ۴؛ برای بئرشیع ر. ک. ۸: ۱۴ و پید ۲۱: ۳۳.

l در انتهای این آیه با شباهت اصوات کلمات بازی شده: «هاگیلگال، گالوه بیگل» یعنی «جلجال کاملاً تبعید خواهد شد. همین

امر در مورد «بیت ئیل» (خانه خدا) و «هیچ» (خانه خدای هیچ) نیز صادق است. نزد انبیا اغلب همین بازی با کلمات را

مشاهده می کنیم (هو ۱۲: ۱۲؛ ار ۱۱: ۱۲-۱۱؛ خصوصاً اش ۱۰: ۲۸-۳۰؛ میک ۱۰: ۱-۱۵).

m همین اندیشه را در آیه ۲ نیز مشاهده می کنیم.



سکوت می کند؛	یهوه نام او است <sup>n</sup> .
زیرا که زمان بدی است <sup>۹</sup>	ویرانی را در آن که نیرومند است وارد
می سازد،	می سازد،
تا که زیست کنید،	و ویرانی را بر قلعه می آورد <sup>o</sup> .
تا که بدینسان یهوه، خدای لشکرها با	بر دروازه نفرت می دارند هر آن کس
شما باشد،	را که حکم صادر می کند <sup>p</sup> ،
همان گونه که می گوید.	و منزجرند از آن کس که با صداقت
از بدی نفرت کنید و نیکویی را	سخن می گوید.
دوست بدارید،	به این سبب، از آنجا که فقیر را
و حق را بر دروازه حکمفرما سازید؛	لگدمال می کنید
شاید که یهوه، خدای لشکرها، ترحم	و بدهی گندم را از او می ستانید،
فرماید	این خانه هایی که از سنگ تراشیده بنا
بر بازمانده یوسف <sup>t</sup> .	کرده اید،
از این سبب، چنین سخن می گوید	در آنها ساکن نخواهید شد؛
یهوه،	این درختان مو دلپذیر که کاشته اید،
خدای لشکرها، خداوند:	از باده آنها نخواهید نوشید.
بر تمامی میدان ها نوحه سرایی باشد!	چرا که می دانم بسیار است جنایات
و در تمامی برزن ها خواهند گفت:	شما،
«افسوس! افسوس!»	و وخیم است گناهانتان،
کشتگر را برای سوگواری فرا خواهند	ستمگران بر آدم عادل، رشوه خواران،
خواند،	شما که بر دروازه بر سینۀ نیازمندان
و برای نوحه سرایی، آنان را که می دانند	دست رد می زنید!
چگونه ناله سر دهند <sup>s</sup> ؛	به این سبب، مرد عاقل در این زمان

۱۵:۳  
تث ۲۸:۳۰-۳۳  
میک ۱۵:۶  
صف ۱۳:۱

۷-۶:۲

۹:۲۳ لو

n آیات ۸-۹ بخشی از یک سرود است که با ۱۳:۴ و ۵:۹-۶ قرابت دارد؛ در این آیات اخیر همین بندگردان را مشاهده می کنیم. این آیات شاید در اثر قرابت با فعل «بدل کردن» در اینجا آورده شده (آیه ۷ و ۸). در آیه ۹، مصرع دوم قطع شده است.

o درک این آیه دشوار است. احتمالاً منظور مجازاتی است الهی بر علیه آنانی که فکر می کنند در امنیت اند.

p «دروازه» مکانی عمومی بود که محکمه های محلی در آنجا تشکیل می شد (ر.ک. آیات ۱۲ و ۱۵؛ اش ۲۹:۲۱؛ روت ۴:۱). داوران شاهدان راستگو را کنار می زدند و حکم را رعایت نمی کردند.

q این بیانی است حکمتی که در آن اندیشه شخصی نبی ابراز می شود: زمان آنچه بد است که عاقلانه تر می نماید اسرائیل را به ویرانی اش رها ساخت. با این حال، عاموس را گریزی از سخن گفتن نیست (ر.ک. ۸:۳؛ ۱۵:۷).

r چنین می نماید که برای اسرائیل خطاکار و ناتوبه کار امیدی نباشد (ر.ک. ۱۲:۳)؛ اما در اینجا برای نخستین بار مکاشفه ای غیرمنتظره و قطعی ظاهر می شود که انبیا آن را بیان می دارند؛ امید و بعد یقین (ر.ک. ۸:۹) به اینکه «بازمانده ای» نجات خواهد یافت. این امید و این یقین که به کسی تعلق می گیرد که توبه کند، صرفاً منوط به آزادی و اختیار فیض خدا است. از این رو است که می فرماید: «شاید که ...»

s تحت اللفظی: «و تشییع جنازه به سوی افراد واردی که نوحه سرایی می کنند». مجالس سوگواری آن چنان زیاد خواهد بود که نوحه سرایان حرفه ای تکافوی آنها را نخواهند کرد، به این دلیل، کشتگران را نیز به کمک خواهند طلبید، و حتی در تاجکستان ها نیز شادی انگورچینی جای خود را به فریادهای مرگبار خواهد داد. ر.ک. ۹:۱۰؛ ۱۶:۹-۲۰.

### خدا مذهب اسرائیل را رد می کند

۲۱ نفرت دارم و پست می شمارم اعیاد  
شما را،  
و از محفل های باشکوه شما بیزارم.  
۲۲ آن هنگام که قربانی های سوختنی به  
من تقدیم می دارید،  
...

هدایای آردی شما را قبول نمی کنم،  
به قربانی حیوانات فربه شما نمی نگرم.  
۲۳ صدای سرودهای خود را از من دور  
نما،  
نوای چنگ های تو را نشنوم!  
۲۴ اما بادا که حق چون آب جاری شود،  
و عدالت چون سیلابی که خشک  
نمی شود.  
۲۵ آیا قربانی ها و هدایای آردی در  
بیابان به من تقدیم کردید،

۱۷ در همه تاقستان ها نوحه سرایی خواهد  
بود،  
زیرا از وسط تو عبور خواهیم کرد،  
یهوه می گوید.

خروج: ۱۲:۱۲  
اش: ۵:۵-۷

### امیدی واهی

۱۸ وای بر آنانی که مشتاقانه در آرزوی  
روز یهوه هستید!  
به چه کار شما می آید روز یهوه؟  
آن ظلمات است و نه روشنایی!  
۱۹ مثل کسی که از برابر شیر می گریزد،  
و دچار خرس می شود!  
وارد خانه می شود و دست خود را به  
دیوار تکیه می دهد،  
و ماری او را می گزد!  
۲۰ آیا ظلمات نیست روز یهوه، و نه  
روشنایی؟  
آن تاریک است و بدون نور.

یول: ۲:۲  
مر: ۱۳:۱۹-۲۱

هو: ۱۳:۷-۸  
اش: ۲۴:۱۸  
ار: ۴۴:۴۸

مت: ۲۷:۴۵

t عاموس با توهمات معاصران خود در خصوص روزی به نام «روز یهوه» مبارزه می کند. این امید احتمالاً الهام گرفته از خاطره بعضی روزهای خاص در تاریخ قوم اسرائیل بود که در آنها خداوند قدرت خود را با رهایی قومش از دست دشمنانشان نشان داده بود، مثلاً «روز مدیان» (یوشع ۸:۷) که در اش ۳:۹ و ۱۰:۲۶ تکرار شده؛ «روز یزرعیل» در هو ۲:۲؛ و خصوص روز مشهور پیروزی جبعون در یوشع ۱۰:۱۲-۱۴. لذا مردم منتظر «روز» جدیدی بودند که در آن خداوند شخصاً مداخله می کند تا تمامی دشمنانش را فرمانبردار سازد و به قومش بر همه ملت ها پیروزی دهد. عاموس فرا رسیدن این روز را مورد تردید قرار نمی دهد، بلکه اغلب به آن اشاره نیز می کند: ۲:۱۶؛ ۳:۱۴؛ ۴:۲؛ ۸:۹، ۱۱، ۱۳؛ ۹:۱۱؛ ۱۳:۱۳. اما اعلام می دارد که این روز به جای آنکه برای اسرائیل نور نجات را به ارمغان بیاورد، ظلمات داوری را به همراه خواهد آورد. به جای آنکه روز پیروزی باشد، روز شکست خواهد بود، زیرا خدا با قوم بی وفای خود همچون یکی از دشمنان خود عمل خواهد کرد و بدینسان، آشکار خواهد ساخت که او خداوند کسانی باقی می ماند که برگزیده است (ر.ک. ۲:۳). اما داوری، آخرین حرف خدا نخواهد بود؛ تجلی شخصی او در شفقت و نجات به اوج خواهد رسید (ر.ک. ۵:۵؛ ۹:۱۱ و ۱۳). سایر انبیا بعد از عاموس به همین «روز» اشاره می کنند (اش ۲:۱۱؛ صف ۱:۱۴، یول ۱:۱۵؛ ار ۷:۵-۳۰، اما همچنین اش ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۱؛ یول ۳:۳۰؛ ۲۶:۳۰؛ ۱:۴؛ ملا ۳:۱۹-۲۳).

u این تصویری است جدید در خصوص وضعیتی که چاره ای برای آن متصور نیست. مقایسه شود با ۲:۱۳-۱۶؛ ۳:۱۴؛ ۹:۱-۴. v منظور برملا ساختن و تقبیح تشریفات آیینی است (مقایسه شود با ۴:۴-۵ و ۵:۵ و توضیحات). و فوفور اصطلاحات و گزینش آنها، حاکی از وجود مذهبی پرتکبر است که باعث فخر اسرائیل شده بود. به ضمائر «شما» و «تو» توجه کنید. این مذهب پرنخوت نزد خدا چیزی جز تنفر و انزجار پدید نمی آورد. آنچه که او طالبش می باشد، اطاعت از شریعت مبتنی بر عدالت می باشد (آیه ۲۴)، و نیز عبادتی که بر پایه اتکای کامل به او باشد، مانند زمانی که اسرائیل در بیابان بود (آیه ۲۵). w این قوم که خدا را عبادت می کنند، باید عدالت اجتماعی را نیز رعایت کنند، عدالتی که نشانه تعاون و وابستگی میان اعضای عهد الهی می باشد (مقایسه شود با ۲:۶-۸؛ ۴:۱؛ ۵:۷؛ ۱۲:۸-۴). این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «و حق چون ... فوران خواهد زد، و این مصرع را به عنوان اعلام نجاتی تلقی کنیم که به محض اینکه قوم اسرائیل عبادت خود را اصلاح کند، فوران خواهد زد.

سپس به جت فلسطینیان فرود آید.  
 آیا ارزش شما بیش از این ممالک  
 است؟  
 آیا قلمرو شما بزرگتر از قلمرو ایشان  
 است؟<sup>Z</sup>  
<sup>۳</sup> فکر می کنید روز مصیبت را عقب  
 می رانید،  
 اما فرمانروایی خشونت را نزدیک  
 می سازید!  
<sup>۴</sup> در حالی که بر بسترهای عاج دراز  
 کشیده  
 و بر کرسی های خود می لمند،  
 بره هایی را می خورند که از گله بر گرفته  
 شده اند  
 و گوساله هایی را که از طویله انتخاب  
 شده اند؛  
<sup>۵</sup> با نوای چنگ به قیل و قال می پردازند  
 و همچون داود<sup>a</sup> آلات موسیقی اختراع  
 می کنند؛  
<sup>۶</sup> در جام های بزرگ باده می نوشند

به مدت چهل سال، ای خاندان  
 اسرائیل<sup>X</sup>؟  
<sup>۲۶</sup> سگوت، پادشاه خود را خواهید برد،  
 و ستاره خدای خود، کیوان را،  
 این تمثال هایی را که برای خود  
 ساخته اید.  
<sup>۲۷</sup> شما را به آن سوی دمشق تبعید خواهم  
 کرد،  
 ۱۳:۴ یهوه می گوید: خدای لشکرها نام او  
 است.

### بر علیه رفاه مقامات

۱ اش: ۲۸-۴؛  
 لوع: ۲۴-۲۵

۱ وای بر آنان که در صهیون آسوده  
 خیال اند  
 و بر آنانی که بر کوه سامره در امنیت  
 می باشند،  
 این اعیان نخستین ملت ها  
 که به سویشان می روند خاندان اسرائیل!  
<sup>۲</sup> به کلنه عبور کنید و ببینید،  
 از آنجا به حمات عظیم بروید،

۱۱:۱۸ لوع

X سؤالی که در این آیه مطرح شده، به آن معنی نیست که مذهب اسرائیل در بیابان عاری از هر گونه قربانی بود. این سؤال مذهب  
 تجملاتی بیت ثیل را در نقطه مقابل سال هایی قرار می دهد که قوم در بیابان چیزی نداشتند به خدا تقدیم کنند، و فقط دریافت  
 کننده برکات او بودند.

Y احتمالاً نسخه برداری متن این آیه را مورد ویرایش قرار داده و نام های خدایان آشوری را که اجرام سماوی بودند، وارد متن  
 کرده: یهودیان بعدها نام این خدایان را از تبعیدی های بیگانه که در مملکت شمالی اسکان داده شدند، شنیدند (مقایسه شود  
 با ۲- پاد ۱۷: ۲۹-۳۱). چنین مذمتی به سختی می توانسته خطاب به اسرائیلیانی بیان شده باشد که در روزگار عاموس  
 می زیسته اند، چه برسد به آنانی که در دوره کوچ نشینی در بیابان می زیستند (آیه ۲۵). شاید این آیه در اصل به  
 راهپیمایی هایی اشاره داشته که طی آنها تمثال های تخت سلطنت الهی و سکوی زیر پای او و نیز «ستاره سلطنتی» را تکریم  
 می کردند؛ اینها همگی ابداعات بشری بود که مقبول خدا واقع نمی شد. آیات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ در اع ۷: ۴۲-۴۳ از ترجمه  
 یونانی نقل قول شده است.

Z درس عبرت شهرهایی که قبلاً پر رونق بود و اکنون ویران شده، می بایست این رؤسای سبک مغز را به فکر وا می داشت. کلنه  
 (همان کلنو در اش ۹: ۱۰) واقع در شمال حلب در سال ۷۳۸ ق.م. به دست آشوریان افتاد، حمات بر روی رود ارونت در سال  
 ۷۲۰ ق.م. و جت در شمال منطقه فلسطین در سال ۷۱۱ ق.م. اما این هر سه شهر قبلاً نیز دچار مصائب فراوان شده بودند (۲-  
 پاد ۱۲: ۱۸؛ ۱۴: ۲۸؛ ۲-توا ۲۶: ۶). «آیا قلمرو شما بزرگتر از آنها است» حاوی اصلاح است؛ قرائت عبری: «آیا قلمرو  
 ایشان بزرگتر از قلمرو شما است؟»

a داود نمونه سزایندگان مزبور و سرودخوانان می باشد.

۱۵:۵ و بهترین روغن ها را به خود می مالند،  
اما از تیره بختی یوسف به اندوه  
نمی آیند.

<sup>۷</sup> به همین سبب، اینک تبعید خواهند  
شد  
در رأس تبعیدیان،  
و عیش و نوش لمندگان پایان خواهد  
یافت!

### ویرانی پایتخت

<sup>۸</sup> خداوند یهوه به خویش سوگند یاد  
کرده<sup>b</sup>

- وحی یهوه، خدای لشکرها:

از تکبر یعقوب نفرت می دارم<sup>c</sup>،  
و از کاخ هایش متنفرم؛  
شهر و آنچه را که آن را پر می سازد تسلیم  
خواهم نمود.

۳:۵ اگر ده مرد فقط در یک خانه مانده  
باشند،

خواهند مرد.

<sup>۱۰</sup> تنها شمار اندکی رهایی یافته وجود  
خواهد داشت

تا استخوان ها را از خانه خارج سازند<sup>d</sup>؛  
و اگر به کسی که در انتهای خانه است  
بگویند:

«آیا هنوز کسی با تو هست؟»

خواهد گفت: «دیگر کسی نیست».

۳:۸  
حب ۲۰:۲

و خواهد گفت: «خاموش! زیرا که نباید

نام یهوه را بر زبان آورد!»

<sup>۱۱</sup> زیرا اینک یهوه فرمان می دهد،

و زیر ضربات او، خانه بزرگ شکاف بر  
خواهد داشت

و خانه کوچک ترک خواهد خورد.

### عدالت دیوانه شده

<sup>۲</sup> آیا اسبان بر روی صخره می دوند،

آیا دریا را با گاوها شخم می زنند<sup>e</sup>،

که (اینک) حق را به سم تبدیل کنید

و میوه عدالت را به افسنتین؟

### پیروزی برای هیچ

<sup>۱۳</sup> در خصوص لو-دبار<sup>f</sup> شادی می کنید،

نش: ۸:۱۷  
لو: ۱۲:۱۹

و می گویند: «آیا به قوت خویش نبود

که قرنائیم<sup>g</sup> را به تصرف در آوردیم؟»

b پیید ۱۶:۲۲؛ ار ۱۴:۵۱؛ عبر ۱۳:۶؛ ر.ک. توضیحات ۲:۴.

c در ۷:۸ خدا خود را همچون «تکبر» خود یعقوب معرفی می کند؛ مقایسه کنید با «قدرتمند» یعقوب در پیید ۲۴:۴۹.

d متن آیه بسیار دشوار است. تحت اللفظی: «خویشاوند و خاکسترکننده اش او را حمل خواهد کرد تا بیرونش ببرد...» همه مترجمین دست به حدس و گمان می زنند. شاید اشاره به زمین لرزه ای باشد (آیه ۱۱) که به دنبال آن بیماری واگیرداری حادث می شود و سوزاندن جنازه ها ضرورت می یابد.

e دو مثل کوتاه که رفتار احمقانه داوران اسرائیل را به تصویر می کشد: عدالت در دست ایشان تبدیل به ابزاری برای مرگ می شود. اگر کلمات را به شکل دیگری از هم جدا کنیم، چنین ترجمه ای به دست می آوریم: «آیا آنجا را با گاووان شخم می زنند؟»

f «لودبار» در شرق رود اردن واقع بود (یوشع ۱۳:۲۶) و ممکن است یکی از شهرهایی باشد که به تازگی مجدداً تصرف شده بود (۲-پاد ۱۳:۲۵). اما باید توجه داشت که این اسم می تواند علاوه بر این، نوعی بازی با کلمات باشد. در این صورت، می توان چنین ترجمه کرد: «بی سبب شادی می کنید» یا «برای هیچ شادی می کنید».

g «قرنائیم» نیز واقع در شرق اردن بود (پیید ۱۴:۵؛ ۱-مک ۲۶:۵). در اینجا نیز ممکن است بازی با کلمات وجود داشته باشد، زیرا این نام را می توان «شاخ ها» نیز ترجمه کرد (شاخ نشانه قدرت است).

يعقوب چگونه تاب خواهد آورد!<sup>۱</sup> او  
بسیار کوچک است!<sup>m</sup>  
۳ بیهوه از آن پشیمان شد:<sup>n</sup>  
بیهوه گفت: «این نخواهد شد».

ار ۳:۲۶  
یون ۱۰:۳

### رؤیای دوم: آتش

۴ خداوند بیهوه این چنین به من نشان داد: اش ۱۶:۶۶:  
حز ۱:۲۱-۴  
خداوند بیهوه آتش را برای داوری کردن  
احضار می کرد:

آتش لُجَّةٔ عظیم را نابود کرد،  
مزرعه ها<sup>o</sup> را نابود کرد.  
۵ گفتم: «ای خداوند بیهوه، از سر فیض،  
متوقف ساز!  
يعقوب چگونه تاب خواهد آورد؟ او  
بسیار کوچک است!»  
۶ بیهوه از آن پشیمان شد:  
خداوند بیهوه گفت: «این نیز نخواهد  
شد».

۱۴ پس اینک، ای خاندان اسرائیل، من  
بر علیه شما بر می انگیزم  
- وحی بیهوه، خدای لشکرها -  
ملتی را که بر شما ستم براند  
از مدخل حمات  
تا سیلاب عرب<sup>h</sup>.

۶-۲ پ ۱۷:۵-۶

### رؤیایها

#### رؤیای نخست: ملخها

۱ خداوند بیهوه<sup>j</sup> این چنین به من  
نشان داد:

۷-۴:۱ یول  
تث ۳۸:۲۸

از تخم در آمدن ملخها بود،  
در زمانی که گیاهان بعد از درو مجدداً  
شروع به بر آمدن می کنند،  
ملخهای بزرگسال، پس از برش پادشاه<sup>k</sup>.  
۲ و آن هنگام که آنها نابود ساختن گیاه  
زمین را به پایان رساندند،  
گفتم: «ای خداوند بیهوه، از سر فیض،  
بیخشای!»

خرو ۱۱:۱۳-۱۱:۳۲  
اعد ۱۴:۱۳-۱۹

**h** «از مدخل حمات تا عرب» اصطلاحی است سنتی برای اشاره به مجموع سرزمین هایی که در شرق اردن تابع اسرائیل شده بود، یعنی از شمال به سوی حرمون (یوشع ۱۳:۵)، تا به جنوب به سوی دریای مرده (۱-پاد ۸:۶۵). این منطقه ای است که یربعام دوم می توانست به تصرف مجدد آن فخر کند (۲-پاد ۱۴:۲۵).

**i** از ۷:۱ روایت پنج رؤیا آغاز می شود که عاموس نبی شاهد آنها بود. این آخرین بخش کتاب است که با اعلام برقراری مجدد «کلبهٔ داود» خاتمه می پذیرد.

**j** «ملخها»: ر. ک ۹:۴؛ یول ۴:۱-۴:۷؛ ۳:۲؛ ۹-۳:۲؛ تث ۳۸:۲۸.

**k** اشاره به حق پادشاه بر اولین برداشت محصول است. ر. ک. ۱-پاد ۱۸:۵.

**l** قرائت ترجمه های یونانی و وولگات: «چه کسی یعقوب را بلند خواهد کرد (یا می تواند بلند کند)؟»

**m** این شفاعتی است از سوی نبی برای قوم. شفاعت در کنار اعلام کلام خدا به قوم، یکی از خدمت های نبی است (ر. ک. ۱-پاد ۱۸:۴۲؛ اش ۳۷:۴؛ ار ۷:۱۴-۱۲؛ و نیز پید ۲۰:۷؛ اعد ۱۱:۲، ۲۱:۷؛ یع ۵:۱۶-۱۸). در سه رؤیای آخر (آیه ۸: ۱:۹ و ۲:۱)، خدا حتی دیگر مجال شفاعت کردن را نیز به نبی نمی دهد، زیرا دیگر زمان دعا و بخشایش نیست (ار ۱۱:۱۴).

**n** این اصطلاح را در آیات ۶ و ۸، یعنی در رؤیاهای دوم و سوم باز می یابیم، اما نه در دو رؤیای آخر. آنچه را که عدالت اقتضا می کند، شفقت دور می سازد. خدا از سر فیض و رحمت خویش، اختیار بخشایش را در طرح های ابدی و محرمانهٔ خود در نظر گرفته است (ار ۱۸:۸). دعای شفاعت عاموس اجابت می شود و خدا مجازات را عملی نمی سازد.

**o** می توان «سهم ممتاز» نیز ترجمه کرد. قرائت چند ترجمهٔ یونانی: «سهم خداوند» که اشاره دارد به قلمرو قوم برگزیده (میک ۴:۲). خشکسالی باعث از میان رفتن منابع آب زیرزمینی شده و در نتیجه، چشمه ها خشک شده اند؛ بنابراین، مزرعه ها از میان می روند. مردم از تشنگی و گرسنگی تلف می شوند (ر. ک. ۴:۶-۸:۸؛ ۱۱:۱).

## رؤیای سوم: شاقول

۷ او این چنین به من نشان داد: مرا ۲۱:۸؛  
جز ۱۳:۸-۱۲

خداوند نزدیک دیواری بر پا ایستاده بود،

و در دستش شاقولی بود.<sup>P</sup>

۸ یهوه مرا گفت: «عاموس، چه می بینی؟»

گفتم: «شاقولی».

خداوند گفت: «اینک شاقولی خواهم نهاد در وسط قوم اسرائیل،

۱۳:۲۱ پا-۲

و دیگر از روی [خطایش] نخواهم گذشت؛

۹ مکان‌های بلند اسحاق نابود خواهد شد،

و عبادتگاه‌های اسرائیل تبدیل به ویرانه خواهد شد،

و من با شمشیر بر علیه خاندان یربعام بر خواهم خاست».

## عاموس از بیت‌ئیل اخراج می‌شود

۱۰ امصیا، کاهن بیت‌ئیل نزد یربعام، پادشاه اسرائیل فرستاد تا به او بگویند:<sup>Q</sup>

«عاموس بر علیه تو در میان خاندان

اسرائیل توطئه چینی می‌کند؛ سرزمین ۱۷:۱۸ پا-۱  
ار ۴۶:۸-۱۱

نمی‌تواند تمام سخنان او را تحمل کند.

۱۱ زیرا عاموس این چنین سخن می‌گوید:

یربعام به شمشیر خواهد مرد، و اسرائیل از

روی زمین خود تبعید خواهد شد.<sup>R</sup>

۱۲ امصیا به عاموس گفت: «ای ۱۲:۲:۱

رؤیت‌کننده، از اینجا برو؛ به سرزمین یهوذا

بگریز، و نان خود را در آنجا بخور، و در

آنجا نبوت کن.<sup>S</sup> اما دیگر در بیت‌ئیل به

نبوت کردن ادامه نخواهی داد، زیرا که ۳۵:۲۱ مت  
اع ۵۲:۷

عبادتگاهی سلطنتی و معبد مملکت است.<sup>S</sup>»

۱۴ عاموس پاسخ داد و به امصیا گفت:

«من نبی نیستم<sup>T</sup> و پسر نبی<sup>U</sup> نیستم؛ من

چوپانم و نیش زنده‌توت انجیرم.<sup>V</sup>»

P تصویر شاقول ظاهراً بیانگر این است که آن دیوار نمادین که شکم داده، تعادل خود را از دست داده و در خطر فرو ریختن است (اش ۱۳:۳۰). تصویر تراز (۲-پاد ۱۳:۲۱؛ اش ۱۷:۲۸؛ ۱۱:۳۴؛ مرا ۸:۲) برای اشاره به عملی ویرانگرانه مناسبت بیشتری دارد (آیه ۹)، اما به نظر نمی‌آید که بتوان چنین معنایی برای این اصطلاح عبری قائل شد. «و دیگر از روی [خطایش] نخواهم گذشت»: عبارت عبری «گذشتن روی» را نمی‌توان «بخشیدن» ترجمه کرد.

Q از آیه ۱۰ به بعد، متن به نثر است و دو گفتار منظوم نبی را در چارچوب خود قرار می‌دهد (آیه ۱۱ و ۱۶-۱۷). این روایت تاریخی که به نبوت بر علیه خاندان یربعام مرتبط است (آیه ۹)، بازگوکننده ماجرای از زندگی نبی است، یعنی خبرچینی امصیا، کاهن بیت‌ئیل، که در حضور پادشاه بر عاموس اتهام وارد می‌کند، و پاسخ عاموس که در پایه رسالت مقاومت ناپذیر الهی استوار است. شاید همین درگیری بوده که به خدمت عاموس در بیت‌ئیل خاتمه بخشیده است.

R در این آیه، دو موضوعی که در موعظه‌های عاموس بیان می‌شود، خلاصه شده است (ر.ک. ۷:۹؛ ۴:۹؛ ۱۰ و ۵:۲۷؛ ۶:۷). اما خبرچینی امصیا با این قصد انجام می‌شود که عاموس را آشوبگری سیاسی معرفی کند و از خدایی که نبی به نام او این بلاها را اعلام می‌کند، سخنی به میان نیاید.

S ر.ک. ۱۴:۳ و توضیحات.

T فعل «بودن» در این عبارت به کار نرفته، بلکه مستتر است. ما آن را در اینجا به زمان حال به کار برده‌ایم، اما بعضی دیگر از مترجمین آن را به زمان گذشته به کار می‌برند. در هر حال، منظور این است که عاموس مدعی عنوان نبی و وظایف ناشی از آن نیست. پیشه او پرورش دام است. اگر در بیت‌ئیل حضور دارد و موعظه می‌کند، به این دلیل است که از رسالتی که خدا بر دوشش گذاشته اطاعت می‌کند، نه به این دلیل که خودش آن را برگزیده باشد؛ او قادر به رد کردن این رسالت نیست. لذا او به تمام معنا نبی است زیرا به نام خدایی سخن می‌گوید که سرور و صاحب اسرائیل است.

U «پسر نبی» کسی است که عضو گروه انبیا است، گروهی که در برخی از عبادتگاه‌ها وجود داشت (ر.ک. ۱- سمو ۱۰:۱۰؛ ۱- پاد ۳۵:۲۰؛ ۲- پاد ۳:۲).

V کاربرد کلمه «چوپان» مطابق ترجمه یونانی است: قرائت عبری آن، «گاوپران» است که با کلمه‌ای که در ۱:۱ به کار رفته تفاوت دارد. «توت انجیر» (یا انجیر بری) میوه‌ای است که به کار تغذیه احشام می‌آید؛ ساقه آن را سوراخ می‌کردند تا رسیدن آن را تسریع کنند.

دیگر از این پس از روی [خطایش]  
نخواهم گذشت.

<sup>۳</sup> سرودهای کاخ<sup>x</sup> زوزه خواهد بود، در آن  
روز»

- وحی خداوند یهوه.

اجساد بیشمار است!

آنها را به هر مکانی می افکنند:

خاموش!<sup>۷</sup>

۱۰:۶

### آز تاجران

<sup>۴</sup> این را گوش گیرید، ای شما که  
مستمند را له می کنید،

تا فروتنان را از سرزمین نابود سازید؛

<sup>۵</sup> می گویند: «پس چه هنگام خواهد

گذشت ماه نو<sup>z</sup>»

نخ: ۱۰:۳۲  
۱۵:۱۳

تا غله را بفروشیم،

و سبت، تا گندم را به فروش برسانیم<sup>a</sup>؟

ایفه را کاهش داده، مثقال را افزایش

خواهیم داد،

لاو: ۱۹:۳۵-۳۶  
تث: ۱۳:۲۵-۱۶

در ترازوها تقلب خواهیم کرد تا فریب

هو: ۱۲:۸  
میک: ۱۱:۶

دهیم؛

<sup>۱۵</sup> مرا از پس گله گرفته و یهوه مرا گفته:  
برو و به قوم اسرائیل نبوت کن. <sup>۱۶</sup> و

اینک به کلام یهوه گوش بگیر: تو  
می گویی: بر علیه اسرائیل نبوت مکن و بر

علیه خاندان اسحاق پیشگویی منما. <sup>۱۷</sup> به

همین سبب، چنین سخن می گوید خداوند

یهوه: زنت در شهر روسپیگری خواهد کرد،

پسران و دخترانت به شمشیر خواهند افتاد،

زمینت با ریسمان تقسیم خواهد شد، و تو

خودت بر روی زمینی ناپاک خواهی مرد، و

اسرائیل از روی زمینش تبعید خواهد شد».

۲- سمو: ۷:۸  
مز: ۷۸:۷۱

۸:۳

تث: ۳۰:۳۳-۳۰

هو: ۹:۳

میک: ۲:۴

### رؤیای چهارم: پایان تابستان

خداوند یهوه این چنین به من  
نشان داد:



سبدی بود از میوه های رسیده.

۱:۲۴

گفت: «عاموس، چه می بینی؟»

گفتم: «سبدی از میوه های رسیده».

یهوه مرا گفت:

قوم من اسرائیل برای انتهایش رسیده<sup>w</sup>

حز: ۷:۲

مت: ۲۴:۱۴

مک: ۱۴:۱۵، ۱۸

است:

W «برای انتهایش رسیده است» به شکل تحت اللفظی به این صورت است: «انتها برای قوم اسرائیل فرا رسیده است». در اینجا یک بازی با کلمات وجود دارد که قابل ترجمه نیست و در آن، از شباهت صوتی کلمات عبری «انتها» (قص) و «میوه» (قایص) استفاده شده است. ر.ک. ار ۱۱:۱-۱۲ وانگهی، میوه های رسیده که نماد اسرائیل است، پایان سال کشاورزی را اعلام می دارد. ما متن را در ترجمه اندکی تغییر داده ایم تا حالت متن اصلی را منعکس کنیم.

X می توان «معبد» نیز ترجمه کرد. در بیت ثیل، اعیاد آیینی که در «کاخ» خدا جشن می گرفتند، به پایان رسیده است (۵:۵، ۲۱).

Y . اجساد آقدر زیاد است که نمی توان دفنشان کرد و به همین جهت، آنها را در همه جا پراکنده می سازند. متن آیه دشوار است و ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. در مورد «خاموش!» ر.ک. ۱۰:۶. بعضی این چنین ترجمه می کنند: «اجساد بیشمار است، همه جا سکوت حکم فرما می شود».

Z در اسرائیل، روز اول ماه را چشم می گرفتند (۱- سمو ۵:۲۰، ۲۴؛ اش ۱۳:۱-۱۴؛ لاو ۲۳:۲۴). در این روز، مانند روز سبت، فعالیت های سودآور تعطیل می شد.

a تحت اللفظی: «تا (دکه های) گندم را باز کنیم». نبی به جای اینکه به توصیف روش های تقلب آمیز سوداگران غلات بپردازد، از زبان خود ایشان طمع کاری شان را بین می دارد. «ایفه» میزان حجم برای جامدات بود (حدود ۳۶ لیتر): با کاهش دادن آن، در کار تحویل کالا تقلب می کردند. «مثقال» که واحد وزن بود، برای وزن کردن شمش های پول به کار می رفت؛ با افزایش دادن آن، پول بیشتری دریافت می کردند. این تقلب ها گویا در اسرائیل رایج بود (هو ۸:۱۲؛ میک ۶:۱۰-۱۱؛ امث ۱۱:۱؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۰:۲۰، ۲۳)، با اینکه شریعت آن را منع کرده بود (تث ۱۳:۲۵-۱۶؛ لاو ۱۹:۳۵-۳۶؛ حز ۴۵:۱۰).

و در روز روشن، زمین را تاریک خواهم ساخت؛

<sup>۱۰</sup> اعیاد شما را به سوگ مبدل خواهم نمود

و همه سرودهایتان را به نوحه؛

پلاس را به تمامی گرده ها بر خواهم آورد  
از ۳۷:۴۸ جز ۱۸:۷

و تراشیدگی را در همه سرها؛

آن (روز) را همچون عزایی برای پسر  
از ۲۶:۶ جز ۱۰:۱۲

یگانه خواهم ساخت،

و پایانش به سان روزی تلخ<sup>۹</sup>.

<sup>۱۱</sup> اینک روزهایی فرا می رسد - وحی

خداوند یهوه -

که گرسنگی<sup>f</sup> را در سرزمین خواهم

فرستاد،

نه گرسنگی برای نان، نه تشنگی برای

آب،

بلکه برای شنیدن سخنان یهوه.

<sup>۱۲</sup> از دریایی به دریایی دیگر، کشان  
تث ۲۸:۲۸-۲۹ جز ۱۳-۱۱:۳۰

کشان خواهند رفت،

از شمال تا مشرق<sup>g</sup> خواهند گشت

اش ۶:۵۵  
هو ۶:۵  
مز ۹:۷۴  
امت ۱:۲۸

<sup>۶</sup> ضعیفان را با نقره خواهیم خرید و مستمند را برای یک جفت نعلین؛

و ضایعان گندم را خواهیم فروخت».

<sup>۷</sup> یهوه به تکبر یعقوب<sup>b</sup> سوگند یاد کرده:

نه، هرگز هیچ یک از اعمالشان را از یاد نخواهم برد.

<sup>۸</sup> آیا به سبب این زمین نخواهد لرزید

و جمله آنان که در آن ساکن اند در

سوگ نخواهند شد؟

آن همچون نیل<sup>c</sup> بر خواهد آمد، تماماً،

باد خواهد کرد و بعد، همچون نیل مصر

فرو خواهد نشست<sup>d</sup>.

روز خداوند: روز عزا و خاموشی و مرگ

<sup>۹</sup> در آن روز واقع خواهد شد

- وحی خداوند یهوه -

که در وسط ظهر، خورشید را به غروب وا

خواهم داشت

اش ۱۰:۱۳  
یول ۲:۲  
صف ۱۵:۱

b ر.ک. توضیحات ۴:۲. در خصوص «تکبر» ر.ک. توضیحات ۸:۶.

c قرائت عبری: «همچون روشنایی» ترجمه ما بر اساس ۵:۹ و با توجه به ترجمه های قدیمی اصلاح شده است. این تصویر به طغیان های غیرقابل کنترل رود نیل اشاره دارد.

d حروف بی صدای این فعل چنین ترجمه می شود: «نوشیده خواهد شد» ما با افزودن اعراب به فعل، آن را ترجمه کرده ایم.

e برای یک اسرائیلی، از دست دادن پسر یگانه بزرگترین مصیبت است، چرا که به منزله ویرانی آینده خودش می باشد. ر.ک. توضیحات ۲:۵. در آیات ۹-۱۰، نبی روز معادشناختی را توصیف می کند (ر.ک. توضیحات ۱۸:۵). انجیل نگاران از اصطلاحاتی مشابه استفاده کرده اند تا رویدادهایی را توصیف کنند که با مرگ «پسر یگانه خدا» همراه بود (لو ۲۳:۴۴-۴۵: مر ۳۳:۱۵).

f کلمه «گرسنگی» در عبری معنای قحطی را نیز می دهد. از این رو بعضی آن را در این معنا ترجمه می کنند. برخی از مفسران، این آیه را تعبیری برای فیض خدا تلقی می کنند که با نازل کردن آزمایش ها، در قوم خود اشتیاق شنیدن کلام خود را پدید می آورد (مقایسه شود با ۶:۴؛ یو ۴:۱۳-۱۴). اما آیه ۱۲ چنین تعبیری را تأیید نمی کند.

g برای کسی که در فلسطین ساکن است، سرزمین های پر رونق در شمال و مشرق واقع شده، حال آنکه بیابان های جنوب جستجوی چنین سرزمین هایی را امری عبث می سازد.



تا کلام بیهوه را بجوبند،  
و آن را نخواهند یافت!<sup>h</sup>

۱۳ در آن روز، از تشنگی از هوش خواهند  
رفت

دختران زیبا و جوان و مردان جوان.  
۱۴ آنان که به اشیمه<sup>۱</sup> سامره قسم

می خورند،  
و می گویند: «دان، قسم به حیات  
خدایت!»

و: «بشریع، قسم به حیات محبوبت!<sup>i</sup>»  
۲:۵ اینان خواهند افتاد و بر نخواهند خاست.

رؤیای پنجم: **قدس به لرزه درمی آید**  
۹ خداوند را در کنار قربانگاه<sup>j</sup>  
ایستاده دیدم،

و گفت: «سرستون را بزن  
و بادا که آستانه ها به لرزه در آیند؛  
آنها را بر سر همگی ایشان خرد کن،

و آن که از ایشان باقی بماند، او را به  
شمشیر خواهم کشت؛  
۱۶-۱۳:۲  
۱۹:۵

یکی از ایشان قادر به فرار نخواهد شد،

یکی از ایشان رهایی نخواهد یافت.

۲ اگر به زور بخواهند در شئول را باز  
۲۳:۲۳-۲۴:۴  
ع<sup>۴</sup> کنند،

از آنجا دست من ایشان را بر خواهد  
گرفت؛

و اگر به آسمان ها برآیند،  
از آنجا ایشان را فرود خواهم آورد؛

۳ اگر خود را در قله گرم<sup>k</sup> پنهان سازند،  
از آنجا ایشان را اخراج کرده، بر خواهم  
گرفت؛

اگر خود را در قعر دریا از چشمان من  
مخفی سازند،

آنجا به «مار» امر خواهم کرد تا ایشان را  
بگذرد<sup>k</sup>؛

۴ اگر در برابر دشمنان خود به اسارت  
بروند،

آنجا به شمشیر امر خواهم کرد ایشان را  
بکشد،

و چشمان خود را به ایشان خواهم دوخت  
برای مصیبت و نه برای سعادت!<sup>l</sup>

۱۰:۲۱  
۶:۲۴

**h** فراسوی مجازاتی که خدا وارد می آورد، وخیم ترین عواقب بی وفایی اسرائیل همانا عدم دسترسی به خدا و کلامش می باشد (ر.ک. غزل ۵:۶؛ تث ۸:۳؛ امث ۱:۲۸).

**i** «اشیمه» ترجمه ای است حدسی بر اساس ۲- پاد ۱۷:۳۰ که الهه ای است ناشناس (ر.ک. خدای اشیمه - بیت ثیل در پاپیروس های الفانتین). در متن ماسورتی «گناه سامره» قرائت می شود (ر.ک. هو ۸:۱۰ که به «گناه اسرائیل» اشاره می کند)؛ در این صورت، می توان تصور کرد که شاید تمثالی کفرآمیز از بیهوه مدنظر بوده است (۱- پاد ۱۲:۲۹؛ هو ۸:۵-۶) یا شاید هم یک اشیره یعنی نوعی تیر چوبی مقدس که باز نمود یک الهه بوده است، مانند همان چیزی که اخاب بر پا کرده بود (۱- پاد ۱۲:۲۹) - «محبوبت» ترجمه ای است حدسی (قرائت عبری: «راه») که اشاره به الهه ای محلی دارد.

**j** منظور قربانگاه قربانی ها است که در مقابل خود قدس قرار دارد. خدا در آتشی که بر قربانگاه می سوزد ظاهر می شود، یا در دودی که به آسمان بالا می رود (ر.ک. داور ۱۳:۲۰؛ اش ۶:۶).

**k** «مار» قدرتی است اسرارآمیز و هراس انگیز (ایوب ۴۰:۲۵ تا ۴۱:۲۶) اما با این حال، از خدا فرمان می گیرد، به طوری که او اعلام قدرت مطلق خدایی است که هیچ کس قادر به گریز از داوری او نیست. مز ۱۳۹:۷-۱۲ همین موضوع را بسط می دهد، اما با تأکید گذاردن بر فیض خدا.

**l** توجه و مراقبت خدا که همه مواهب را عطا کرده، موجب هلاکت آنانی می شود که خطاکارند، اما می کوشند از دست او برهند (ر.ک. آیه ۸؛ ایوب ۷:۱۷-۱۹؛ ۱۶:۱۴؛ ۱۰:۲۱؛ اما همچنین ر.ک. مز ۱۳۹:۱۶).

## خداوند صاحب زمین و آسمان است

<sup>۵</sup> و خداوند یهوه لشکرها...

او که زمین را لمس می کند و آن حل می شود،

و جمله آنان که در آن ساکن اند در

سوغ می باشند،

آن همچون نیل بر می آید، بالکل،

و سپس همچون نیل مصر فرو می نشیند؛

<sup>۶</sup> او که حجره های رفیع خود را در آسمان بنا کرد

و طاق <sup>m</sup> خود را بر زمین بنیان گذارد؛

او که آبهای دریا را می خواند

و آنها را بر سطح زمین می ریزد؛

یهوه نام او است.

## اسرائیل بدون امتیازات؟

<sup>۷</sup> آیا برای من همچون پسران کوشی <sup>n</sup>

نیستید،

ای بنی اسرائیل؟ - وحی یهوه.

۹:۵-۱۳:۴  
مز ۱۰۴:۳۲

مز ۱۰۴:۳-۲

۸:۵

۸:۵

۲:۱۰:۳:۱

آیا بر نیاوردم اسرائیل را

از سرزمین مصر،

به سان فلسطینیان از گفتور

و آرام از قیر <sup>o</sup>؟

## مجازات مجرمین

<sup>۸</sup> اینک چشمان خداوند یهوه

بر مملکت گناهکار است،

و آن را از روی سطح زمین نابود خواهم

ساخت.

با اینحال بالکل نابود نخواهم ساخت

خاندان یعقوب را <sup>p</sup> - وحی یهوه.

<sup>۹</sup> زیرا که اینک امر خواهم کرد،

و در میان تمامی ملت ها، خاندان

اسرائیل را تکان خواهم داد،

آن سان که با غربال تکان می دهند،

و یک دانه نیز بر زمین نمی افتد <sup>q</sup>.

<sup>۱۰</sup> به شمشیر تمام گناهکاران قوم من

خواهند مرد،

آنان که می گویند:

۶:۳:

اش ۲۸:۱۵:

ار ۵:۱۲:

میک ۳:۱۱:

صف ۱:۱۲:

۲-۳ یا ۹-۱۰

<sup>m</sup> آسمان همچون کاخی تصور می شد (مز ۱۰۴:۳، ۱۳). فلک آسمان نیز طاق یا گنبدی تصور می شد که بر گوشه های زمین استوار بود (ایوب ۲۲:۱۴؛ امث ۸:۲۷).

<sup>n</sup> اسرائیلیان نباید به امتیازات خود همچون قوم خدا افتخار کنند (۲:۹-۱۱؛ ۳:۲؛ ۷:۸ «قوم من اسرائیل»؛ ۷:۱۵؛ ۸:۲؛ ۹:۱۰). ایشان همه چیز را مدیون خواست یهوه، ارباب و حاکم بر سرنوشته قوم ها، هستند - مردمان کوش قومی از یاد رفته در دوردست ها یعنی در حبشه بودند (پید ۲:۱۳؛ ۱۰:۸).

<sup>o</sup> «گفتور» که احتمالاً همان جزیره کرت در نزدیکی یونان است، سرزمینی است که فلسطینیان از آنجا آمدند؛ «قیر» در پایین بین النهرین شاید همان «اور» باشد. مردم دمشق (ارام) از نژادی بسیار نزدیک به قوم اسرائیل بودند، اما به دشمن هولناک ایشان تبدیل شده بودند (۵:۱). این وحی گزینش خاص اسرائیل را انکار نمی کند، اما با تکبری که این قوم از این امر بر خود می گرفتند مبارزه می کند؛ همچنین تأیید می کند که خدای اسرائیل تقدیر سایر ملت ها را نیز در دست دارد (فصل های ۱ و ۲).

<sup>p</sup> این تصریحی است پرمعنی: مجازات الهی گریبان مملکت گناهکار را خواهد گرفت، اما نه تمامی قوم برگزیده را. در اینجا، نبی با قاطعیت امیدی را که در ۱۵:۵ مطرح ساخته بود، اعلام می دارد.

<sup>q</sup> پس از عمل خرمن کوبی در مزرعه، غله را به کبک غربال از سنگ ها جدا می کنند. این تصویری است سنتی از داوری الهی (اش ۳۰:۲۸؛ لو ۲۲:۳۱). در این وحی، مقوله های داوری سخت و پراکنده شدن قوم در میان ملت ها در کنار هم قرار داده شده اند.

و لگدکننده انگور آن کس را که بذر را  
می افشانند.

کوه ها عصاره انگور را خواهند چکاند  
و تمامی تپه ها حل خواهند شد.

<sup>۱۴</sup> تقدیر قوم خود اسرائیلی را تغییر خواهم  
داد؛

شهرهای ویران را بازسازی کرده، در آنها  
ساکن خواهند شد؛

تا کستان ها خواهند کاشت و شرابش را  
خواهند نوشید؛

باغ ها خواهند ساخت و میوه اش را  
خواهند خورد.

<sup>۱۵</sup> من ایشان را بر زمینشان خواهم  
کاشت،

و دیگر از روی زمینشان کنده نخواهند  
شد،

(زمینی) که به ایشان داده ام،  
می گوید یهوه خدایت.

مصیبت جلو نخواهد آمد و به ما نخواهد  
رسید.<sup>T</sup>»

### احیای اسرائیل

<sup>۱۱</sup> در آن روز، کلبه داود را که افتاده بود  
بلند خواهم کرد<sup>S</sup>،

شکاف های آن را مرمت خواهم نمود و  
خوابه هایش را بلند خواهم کرد؛

آن را بازسازی خواهم نمود به سان  
روزهای کهن،

<sup>۱۲</sup> تا بازمانده ادوم را صاحب شوند  
و تمامی ملت هایی را که به نام من  
خوانده شدند<sup>T</sup>

- وحی یهوه این را به عمل می آورد.

### برقراری مجدد مملکت داود

<sup>۱۳</sup> اینک روزهایی می آید - وحی یهوه -  
که کشتگر از نزدیک دروگر را دنبال  
۵:۲۶ لا

خواهد کرد،

<sup>T</sup> ترجمه ما حاوی اصلاحاتی است که با توجه به ترجمه یونانی، بر روی اعراب افعال این مصرع به عمل آمده است. متن عبری این گفتار را طوری بیان می کند که گویی قوم اسرائیل خدا را مستقیماً به مبارزه دعوت می کنند؛ قرائت آن چنین است: «مصیبت را نزدیک نخواهی آورد و به ما دست نخواهی یافت». اما چنین سبکی نادرست است و اندیشه ای که به این شکل مطرح شده حالتی افراطی دارد.

<sup>S</sup> «کلبه» (به عبری: سوگه) حاکی از تزلزل پذیری خاندان داود است (اش ۸:۱)، یعنی همان نسلی که خدا برای همیشه برقرار خواهد داشت (۲ سمو ۷:۱۶). یا شاید هم به شادی عید خیمه ها (به عبری: سوگوت) اشاره دارد (تث ۱۶:۱۳-۱۵).

<sup>T</sup> به همان شکل که شخص نام خود را بر اموال خود ثبت می کند (توضیحات ۲ سمو ۶:۲)، خدا نیز نام خود را بر ملت هایی ثبت کرده که در مجاورت اسرائیل زندگی می کردند و داود در گذشته آنها را فرمانبردار خود ساخته بود. نجات الهی شامل برقراری مجدد امپراتوری داود می شود، یعنی همان امپراتوری که آرمان سیاسی و مذهبی در نظام خداسالاری بود. این دو آیه در اع ۱۵:۱۶-۱۷ نقل قول شده اند.

|

۲۳۶۴

|

—

—